

مصاحبه ارگان تئوریک حزب کمونیست اتریش بارفیک رقیه دانسگری

بقیه از صفحه اول

"جوهر اساسی خط مشی در سالهای پس از انقلاب، عبارت بود از متشکل کردن توده مردم، به ویژه کارگران در صفوف سازمان و هدایت مبارزه آنان و هم چنین تامین اتحاد نیروهای خلقی برای طرد جریانهای راستگرا و تقویت وزن و تاثیر نیروهای طرفدار اصلاحات اجتماعی-اقتصادی در حکومت."

در قسمت های بعدی مصاحبه رقیه دانسگری به دیگر سئوالات نشریه "راه و هدف"، از جمله درباره علل شکست انقلاب پاسخ گفت. آخرین پرسش این بود که "در مبارزه فعلی، سازمان فداییان معرف چه نیروی است و موقعیت شما نسبت به نیروهای اجتماعی دیگر چگونه است؟"

در پاسخ به این سئوال موقعیت و وضعیت کنونی سازمان توصیف و تشریح گردید. در بخشی از پاسخ چنین گفته شد: "سازمان فداییان خلق ایران معرف نیروی است که آرمانهای دور و نزدیک طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران را نمایندگی می کند. سازمان فداییان، سازمان پیشاهنگ طراز نوین طبقه کارگر ایران است. از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی فداییان و توده ایها مواضع واحدی دارند، هر چند آنان هر کدام سازمان و رهبری مستقل خود را دارند. حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران در تمام سطوح با یکدیگر همکاری می کنند و خواهان وحدت همه جانبه با یکدیگر هستند. در حال حاضر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بگانه سازمان پوزیبیون حکومت جمهوری اسلامی است که تشکیلات سراسری و ارتباطات خود را در شرایط سرکوب و اختناق حادی که بر کشور حکمفرماست، حفظ کرده و در کار توده ای در میان زحمتکشان ایران همچنان فعال است."

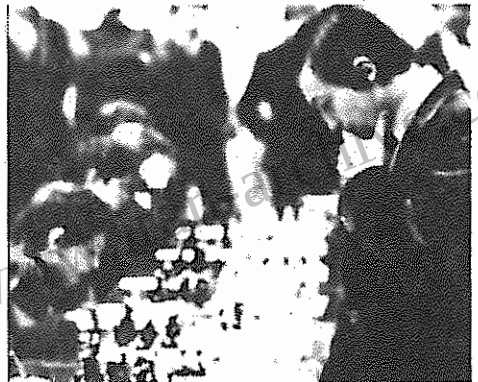
در پایان این گفتگو رقیه دانسگری بر اهمیت امر صلح برای مردم ما، مسئله مبارزه علیه اختناق و سرکوب حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی و حقوق ملی مردم کردستان تاکید کرده و افزوده سازمان مجاهدین خلق ایران و حزب دمکرات کردستان از شاخص ترین نیروهای هستند که شعار صلح و آزادی و شعار خودمختاری را طرح می نمایند. ما در این زمینه ها با آنان سمت گیری واحدی داریم.

مصاحبه نشریه "راه و هدف" با رقیه رقیه دانسگری با این اظهار نظر رقیه پایان گرفت که:

"سازمان ما، در زمینه تامین و تحکیم استقلال کشور از طریق تقویت جبهه مبارزه ضد امپریالیستی در ایران، برنامه و پراوتیک معینی را دنبال می کند. ما هم چنین برای حرکت در راستای گسترش عدالت اجتماعی در جامعه از طریق انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی-اقتصادی علیه کلان سرمایه داری و به نفع زحمتکشان برنامه معینی داریم و در پراوتیک هم تلاش می کنیم که جبهه نیروهای طرفدار عدالت اجتماعی را تقویت کنیم. اینها دو عرصه بسیار مهم از فعالیت انقلابی ما است. اما متأسفانه سایر نیروهای سیاسی ترقیخواه بجز برخی گروه های چپ، در این عرصه ها فعالیت پیگیر و برنامه روشن عرضه نمی کنند. اینهاست موارد عدم اتفاق عمل ما با آنها!"

گفتگو با آناتولی کاریف...
است. جوانان اتحاد شوروی وظیفه رسیدگی به امور جاری جشنواره، ساختمان غرفه ها و بنه های جدید - مانند کاخ جوانان مسکو که همزمان با شروع جشنواره افتتاح خواهد شد -، برگزاری جلسات بحث و مناظره بین نمایندگان احزاب و سازمانهای شرکت کننده، سازماندهی فنی برنامه های هنری، فرهنگی، ورزشی و گردشهای یک روزه به مناطق دیدنی در اطراف محل برگزاری جشن را بر عهده دارند.

اولین پلنوم کمیته شوروی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، روز ششم آوریل ۱۹۸۴ در مسکو تشکیل شد. با توجه به وظایفی که بر عهده این کمیته میباشد ترکیب آن بسیار متنوع است. اعضای کمیته را نمایندگان سازمانهای مختلف سیاسی و توده ای اتحاد شوروی تشکیل میدهند: رقیه سلیمیا نیکووا دبیر اتحادیه سندیکایی شوروی، رقیه والتینا ترشکوا اولین زن فضانورد جهان، صدر کمیته زنان اتحاد شوروی، تمامی دبیران اول کسومول لنینی در جمهوریهای شوروی... هماهنگ کننده کمیته، رقیه ویکتور میشین دبیر اول کسومول و همچنین رقیه آناتولی کاریف مسئول صندوق صلح اتحادیه.



رقیه تارپف در مورد نمایی که نمیداد اقصی نقاط شوروی برای بهبود بخشیدن به امر تدارک جشنواره دریافت میکند گفت:

"کارگران جوان از سبیری و خاور دور، از کشورهای اقیانوسهای شوروی و اوکراین و منطقه ولگا، هنرمندان از مسکو و لنینگراد، دانشجویان و دانش آموزان از جمهوری های آسیایی روزانه صدها نامه و تلگرام محبت آمیز به نشانی "کمیته" ارسال میکنند و از اقدامات و ابتکارات جدید تبلیغی به نفع جشنواره صدها هزاران گزارش می فرستند. صدها کارخانه، کارگاه و کشورهای شوروی در چهار گوشه کشور بزرگ شوراها، جوانان و کارآموزان شاغل در ماشین سازی "اورال ماش" حقوق ده شیفه اضافه کاری خود را به حساب بانکی "کمیته واریز کردند... جوانان ساکن شهر "سپرووشیه" تاکنون معادل ۱۵ هزار روبل به کمیته کمک مالی رسانیده اند. در اواخر ماه ژوئیه ۱۹۸۴ به مناسبت شصتمین سالگرد اعطای نام لنین به کسومول، به ابتکار سازمان های کسومول در مسکو، لنینگراد، اوکراین، کازاخستان و کرهستان، اورال، مناطق کراسنویارسک و خاباروفسک، آمور، ولگاگراد و یاروسلاول و بخشهای دیگری از تشکیلات، اعضای کسومول یک روز تمام در مراکز صنعتی و کشاورزی، در مزارع و کارخانه ها بطور افتخاری کار کردند. درآمد حاصل از این حرکت عظیم معروف به "سپورتنیک" جوانان به حساب کمیته

واریز گردیده است... و همانطوریکه گفتیم صدها هزاران گزارش نظیر این تا بحال به دست ما رسیده است."

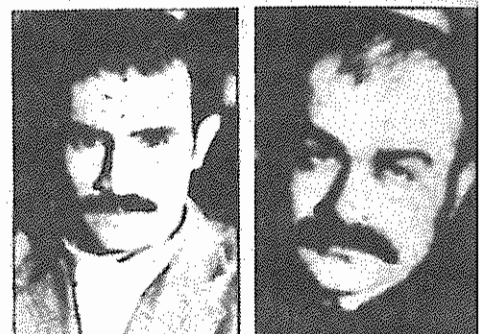
آناتولی کاریف در ادامه سخنانش افزود: "کمکهای بی شائبه جوانان شوروی به جشنواره مسکو - این عرصه همبستگی بین المللی ضد امپریالیستی نشانه تربیت آنها برای هواداری و حفاظت از صلح جهانی و دوستی بین جوانان همه کشورهاست. در اینجا صحبت بر سر بینشی است که به جرات میتوانم بگویم آنرا نژد همه اتباع شوروی خواهید یافت. مردم شوروی هیچگاه خاطرات دردناک دوران جنگ دوم جهانی و تجاوز خونین فاشیسم به کشور ما را، که با ادعای "پاک کردن صفحات تاریخ از بلشویسم" صورت گرفت، فراموش نخواهند کرد. مردم شوروی که با بیش از بیست میلیون قربانی نقش اصلی را در سرکوب فاشیسم ایفا کردند، امروز بار دیگر می بینند که محافل حاکم در کشورهای امپریالیستی شعارهای بغایت ارتجاعی ضد کمونیستی ضد شوروی را که ۴۵ سال پیش زیر خاکستر آتش جنگ مدفون ماندند، روی پرچم خود نوشته، در پی برتری جویی نظامی بر اتحاد شوروی سوسیالیستی و دیگر نیروهای صلحدوست جهان هستند. نقشه های جنون آمیز آنها برای برآه انداختن "جنگ هسته ای محدود" موجودیت نسل بشر و همه دستاوردهای تمدن انسانی را تهدید میکند.

مردم شوروی هیچگاه از همبستگی با مبارزه خلقهای جهان، برای صلح، استقلال و پیشرفت اجتماعی دریغ نورزیده اند. در آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه، لبنان، کامپوچیا، هر جا که با تحریک و به تقصیر امپریالیسم خون جاریست، مبارزین از حمایت مردم ما برخوردار بوده اند. "صندوق صلح" اتحاد شوروی اکنون نزدیک به بیست و پنج سال است که با کمکهای بیش از ۹۰ میلیون تن از اتباع شوروی در اجتماعات و حرکات بین المللی برای صلح و تشنج زدایی شرکت میکند. از جمله ما با تمام قوا از هراسی که در تابستان گذشته تحت عنوان "برای صلح و زندگی، علیه جنگ هسته ای" در پراگ برگزار شد، پشتیبانی کردیم و همانطوریکه میدانید از ارکان فعالیتهای تدارکاتی و سازماندهی دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو می باشیم."

آناتولی کاریف که تاکنون سه بار مقام قهرمانی شلرنج جهان را اخذ نموده است و هم اکنون نیز بر سر قهرمانی جهان با همولنش گاسپاروف مسابقه فشرده و سنگینی را پیش می برد، در عین حال نویسنده روزنامه نگار و مسئول هماهنگی سازمان عظیمی چون "بنیاد صلح اتحاد شوروی" است. وی در پاسخ به این سوال خبرنگار "اکثریت" که چگونه می تواند بهترین شلرنج باز جهان باشد و در عین حال از عهده انجام وظایف نظیر سیاسی و اجتماعی خود برآید، محجوبانه و با لبخند گفت:

"البته مشکل زمان همواره برای من و منظمانه فقط برای من، مطرح بوده است. این سوال نیز تاکنون بارها از من شده... و هر بار آن را می شنوم این گفته رقیه شریف و گرانقدران چنگیز آیتماوف نویسنده و فعال جنبش صلح به یاد من می آید که: حفظ زندگی بر روی زمین مهمترین خواست و وظیفه ماست و به خاطر انجام آن همه امور دیگر می توانند و باید تأمل کنند!"

۲۹ بهمن سالروز شهادت خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان



"جامعه ایران باید بداند که من در اینجا به خاطر داشتن افکار مارکسیستی - لنینستی محاکمه می شوم"

خسرو گل سرخی

هیچگاه مردم مبارز ایران از یاد نخواهند برد آن روزهایی را که خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان، دو فدائی خلق، دو گرد دلاور، دو رزمنده استوار راه مردم در بیدارگاه رژیم شاه، چشم در چشم دشمن دوختند و از راه و آرمان مردم دفاع کردند. سرخستی انقلابی آنها در سراسر ایران موجی از ستایش بر پا کرد، بدانتونه که علیرغم همه تبلیغات بدخواهانه ساواک و جانشینان آن در رژیم جمهوری اسلامی، همچنان تا به امروز یاد و نام آنها در خاطره ها جاودان مانده است.

این دو هنرمند انقلابی را در بیدارگاه شاه به خاطر اعتقادات و اعمال مردمی به محاکمه کشیده بودند و سپس در صبحگاه ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۲ به جوخه اعدام سپردند. رژیم شاه گمان می کرد با اینگونه سفاکی ها می تواند اندیشه انقلابی را به بند کشد و امواج انقلاب را که از دور فرامی رسید از توفندگی باز دارد. اما نه اندیشه انقلابی را نتوانستند به بند کشند و نه راه انقلاب را نتوانستند سد کنند. روز رهایی که گل سرخی و دانشیان نوید آن را داده بودند فرا رسید، پس آنگاه نام بزرگ این شهیدان خلق "در بر سرود میهنی" نقش بست.

ملاقاتی

آمد.

دستش به دستبند بود

از پشت میله ها،

عربائی دستان من ندید

اما،

یک لحظه در تلاطم چشمان من نثریست

چیزی نگفت،

رفت

اکنون، اشباح از میانه ی هر راه می خزند

خویشید

در پشت پلک های من اعدام می شود

خسرو گل سرخی

سیمای فاجعه بار نشر کتاب در جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

هنرشان، تلاش در جهت مسخ روانی و فکری توده های کتابخوان و ترویج پوچ گرابی و یاس و سرخوردگی در میان آنهاست. و دیگر کتبی است که اکثراً به سیله نهاد های رژیم چاپ و پخش میشود و مطالب آن عمدتاً نیش قبر اندیشه های متعفن است که از منقلب قرون بیرون کشیده اند؛ نثر کتبهای ملا محمد باقر مجلسی و امثالهم. و اما آنچه در این میان بیشتر از همه بازار کتاب را پر کرده است، کتابهای مبتذل پلیسی، عشقی و جنایی میباشد که ویرترین کتابفروشیها و دکهای مطبوعاتی انباشته از آنهاست. چاپ و پخش اینگونه کتب، بعدی فراگیر شده است که مقامات مسئول مجبور شده اند، ظاهراً متوجه این "فضاحت فرهنگی" بشوند. اخیراً در پی اعلام کشف (۱) باند بزرگی از ناشرین کتب "خلاف عفت عمومی" از طرف وزارت ارشاد، سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات این وزارتخانه، در مصاحبه با کیهان ۲۷ دی، چنین میگوید: "از چندی قبل اعتراضات متعددی بمای رسید مبنی بر اینکه چرا وزارت ارشاد اجازه می دهد کتبهای مستهجن که اشاعه فحشا و فساد میکند در بازار فراوان است و در بعضی موارد هم بقیمت بسیار ارزان در دسترس عموم بویژه جوانان قرار میگیرد. در پی این اعتراضات... ما بر آن شدیم تا چگونگی قضیه را پی گیری کرده و اقداماتی در این زمینه انجام دهیم... بعد از تحقیقات بعدی و بامراجعه به آمار موجود در وزارت ارشاد معلوم شد که این کتب همگی بعد از انقلاب و هریک از آنها نیز بارها و در تیراژهای وسیع چاپ شده است."

در شرایطی که هرگونه اندیشه پیشرو و مترقی، که راه بسوی آزادی و ترقی و سعادت می گشاید، بادشمنی هیستریک تاریک اندیشان قرون وسطایی برخورد می کند، و در جایی که دانشمند، فیلسوف، نویسنده و هنرمند خلقی، وحشیانه "تغزیر" میشود و در سپاهچالهای دژخیمان مرتجع می پوسد و یا تن به مهاجرت اجباری می دهد، طبیعی است که جریان نشر کتاب، وضعیتی بهتر از آنچه که اکنون در ج.ا.ا. دارد، نداشته باشد. چشمان مسئولین رژیم ج.ا.ا. را، برآستی دشمنی حیوانی و بی سرانجام با افکار و آرمانهای مترقی و مردمی کور کرده است. حتی به اعتراف خود مسئولین ارشاد، اکثر این کتب مبتذل، اجازه چاپ گرفته و بطور وسیعی پخش شده اند. همین مسئول وزارت ارشاد میگوید: "البته تعدادی از کتبهای کشف شده ظاهراً (۱) اجازه چاپ داشته اند، لیکن از آنجا که هدف افراد فوق سودجویی بیشتر بوده است؛ با اعلام این مطلب به وزارت ارشاد که تیراژ این کتابها حدود مثلاً ۲ هزار جلد می باشد قیمت ها را بالا برده و در خفا و شبانه اقدام به چاپ بیش از ۱۵۰ هزار جلد از همین کتابها کرده اند. هدف این افراد فقط اشاعه فساد و جذب پول بوده است."

آیا وضعیت بقایت فاجعه بار جامعه علمی و فرهنگی ما، میتواند نتیجه سودجویی ثنی چند ناشر باشد؟ بی شک هر عقل ساده اندیشی هم می داند که این همه، چیزی نیست جز پیامد طبیعی سیاستهای ویرانگر حکام مرتجعی که تمام هنرشان دشمنی افکار گسیخته با علم و دانش پیشرو، و فرهنگ و ادب

در طی شش سال بعد از انقلاب، تلاش رهبری ج.ا.ا. در راستای مهار و سرکوب ناشرین افکار پیشرو و مترقی، نسبت به سایر خصایص ارتجاعی اش نمود بارزی داشته، بطوریکه موج سرکوب در این عرصه، بی وقفه و به درجات و به عناوین و بهانه های مختلف، همواره ادامه یافته است. مرتجعین حاکم که ترویج اندیشه های انقلابی و مترقی در میان توده های مردم را، همواره بمشابه "تهدیدی جدی برای حاکمیت خود تلقی میکنند، گام به گام برای مهار و سرکوب آن خیز برداشتند.

چندی از انقلاب بهمن نگذشت که رهبران ج.ا.ا. علاوه بر سازمان دادن دستجات اوپاشی که به کتابفروشیها حمله می کردند و کتابها را غارت کرده و می سوزاندند، بر ویرانه های "اداره نگارش" رژیم معدوم شاه، چرخهای دستگاه سانسور را در وزارت ضد فرهنگی "ارشاد" بحرکت درآوردند. دستگاه سانسور رژیم، علاوه بر آنچه که از اسلاف خود به عاریه گرفته بود، تدابیر ارتجاعی جدیدی هم بکار بست. از جمله، طبق ضوابط این دستگاه کتب منتشره باید در دو مرحله، جهت کسب مجوز از قیچی سانسور بگذرد. در مرحله اول که قبل از چاپ کتاب است، "ارشاد" عداً مجوز کتبی صادر نمی کند و مسئولین آن صدور مجوز کتبی را به بعد از مراحل چاپ موکول می کنند، تا با این ترفند ارتجاعی، و با توقیف کتاب پس از چاپ، ناشرین کتب علمی و مترقی را از نظر مادی و رشکست کنند که امکان چاپ کتب دیگر را نداشته باشند. غیر از دستگاه سانسور "ارشاد" چندین نهاد دیگر نیز در امر نشر کتاب دخالت داشته و دارند که از جمله دادستانی انقلاب مرکز، بالای سر همه آنها قرار دارد. کافی است که فلان مسئول و یا غیر مسئول دادستانی، از نام مولف یا مترجم، و یا عنوان کتابی که حتی اجازه نشر هم گرفته است، خوش نیاید، همین بس که دستور خمیر کردن نسخه های کتب چاپ شده صادر گردد و مولف و مترجم و ناشر و مدیر و صاحب چاپخانه هم به محکمه شرع فراخوانده شوند. شورای عالی قضائی هم، بمنظور از بین بردن کتب و آثار علمی، ادبی، هنری و فلسفی پیشرو "دستور العمل" فاشیستی جدیدی صادر کرد تا طبق ماده ۱۰۴ قانون تخریرات اسلامی ناشرین علم و دانش، فرهنگ و ادب متعهد و مردمی، شکنجه شوند و کتابسوزان نیز رسمیت بیابد. علاوه بر اینها در مناطقی از تهران که چاپخانه ها در آن واقع است، مسئولین کمیته ها گاه و بیگاه چاپخانه ها را مورد بازرسی قرار داده و کتابهایی که بمنظرشان غیر "شرعی" است حتی اگر مجوز چاپ هم داشته باشد خود سرائه جمع آوری کرده و می برند.

تحت این شرایط هیچ جای تعجیب نیست که سیل کل آلود و مسمومی از اندیشه های ارتجاعی، متعفن و مبتذل بازار کتاب را فرا بگیرد. حال دیگر، اثرات فاجعه بار سیاستهای ارتجاعی رژیم از مرزهای ستیز با اندیشه های پویا و مترقی گذشته و ورطه مولناکی را فراروی فرهنگ جامعه ما گشوده است. بطور بازار کتاب اینک، عمدتاً در قبضه "سه جریان ارتجاعی" است. نخست کتابهای ترجمه شده از نویسندگان بورژوازی، همچون "چرخ ارول"، "آرتور کوپستلر"، "مانس اشپیر" و... که تمام اندیشه،



خمینی: حفظ نظام از اهم واجبات است

پیام طولانی آیت الله خمینی به مناسبت ۲۲ بهمن به مثابه برنامه عمل ارگانهای مختلف حکومتی بود. او در این پیام همچنان جنگ را "اصلی ترین ساله کشور" دانست و گفت "با کمترین دردت در این امر حیاتی چنان ضربه ای خواهیم خورد که جبران آن به این زودیها میسر نمی شود." در همین رابطه او از مسئولین حکومتی خواست برای تداوم جنگ "شور و شوق" ایجاد کنند.

در پیام از نمایندگان مجلس یکبار دیگر خواسته شد از انتقاد بپرهیزند. "او گفت نمایندگان مجلس می بایست در نقلی های قبل از دستور و در مباحثات در حال دستور با کمال دقت مواظب جملات خود و کیفیت ادای آن باشند." و از "امرو نهی و اشکال و انتقاد" دوری نمایند.

شورای تنهیان در پیام اخیر نیز مجدداً مورد حمایت قرار گرفت. "شورای تنهیان که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تایید این جانب می باشد و وظیفه آنها بسیار مقدس و مهم است و باید با قاطعیت به وظیفه خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری اسلامی دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند تحت تاثیر هیچ جوی واقع نمی شوند."

در آن بخش از پیام که خطاب به قوه مقننه بود ناراضایتی مردم شایعه قلمداد شد. او گفت: "افرادى که با چند شکوائیه از چند یا چندین نفر گمان می کنند مردم ناراضی هستند در اشتباهند." وی گفت در همه کشورهای دنیا اعتصاب و تظاهرات برپا می شود و لذا نباید از ناراضایتی مردم سخن گفت.

گسترش چشمگیر اعتراضات و اعتصابات کارگری در کشور، توجه جدی رهبر حکومت جمهوری اسلامی را به خود جلب کرد. او در پیام خود حرکات اعتراضی کارگران را "توطئه" نامید و تهدید کرد که نیروهای حکومتی و پشتیبان حکومت "هر گونه توطئه را قبل از وقوع در نطفه خفه می سازند و اجازه نمی دهند دستهای استکبار کارخانه ها را به اعتصاب بکشاند."

خمینی در خطاب به مسئولین قوه قضاییه از آنها خواست همچنان در صدد پیاده کردن "احکام اسلامی" در دستگاه قضایی کشور باشند و از حوزه های علمیه خواست در جهت تربیت کادر لازم برای امر قضاوت بکوشند. خمینی در این پیام تاکید کرد که دستگاه قضایی "حدود الهی" را در زند آنها پیاده کند و از چوسازی پنهانها بپرهیزد.

خمینی در پیام ۲۲ بهمن خود از دولت پشتیبانی مجدد به عمل آورد و کارنامه قوه مجریه را مثبت ارزیابی کرد. وی بار دیگر این سخن را که "بازار را شریک کنید در کارها" تکرار نمود و گفت: "بی شرکت بخش خصوصی... دولت با شکست

مواجه خواهد شد." او "کشاندن امور به سوی مالکیت دولت" را یک "بیماری مهلک توصیف کرد و" دخالت دادن کسانی که در تجارت واردند" را از "امور ضروری" دانست. کابینه موسوی در اولین جلسه خود بعد از این پیام، این رهنمود را به کار بست و تحت پوشش "شرکت دادن مردم در امور" تعهد کرد بخش بیشتری از کارخانه ها و شرکتهای مصادره شده را به "بخش خصوصی" واگذار کند.

ببین جدید مسئولین جمهوری اسلامی از بن بست رژیم در رابطه با جنگ

در هفته گذشته جبهه های جنگ همچنان فعال بودند. این بار ابتکار عمل هم در جبهه زمینی هم در تهاجمات هوایی به مدفهای دریایی در دست نیروهای عراقی بود. صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی جمهوری اسلامی با تاکید بر این که "نیروهای مسلح قصد دارند در همه جبهه ها بر سرعت خود بیفزایند، چرا که توقف و سکون را شکست می دهند" عطا به این نکته که جمهوری اسلامی قادر نیست بن بست فعلی را از میان بردارد، اعتراف کرد.

در پی تهدیدات خامنه ای رئیس جمهور مبنی بر آغاز بمباران مناطق مسکونی و شهرهای عراق خاورپرو و زکویبار دبیر کل سازمان ملل مجدداً از ایران و عراق خواست که از حمله به مناطق مسکونی یکدیگر خودداری کرده و به تعهد هشت ماه پیش خود وفادار بمانند. رسانه های گروهی جمهوری اسلامی این درخواست دبیر کل سازمان ملل را منعکس نکردند.

مقامات جمهوری اسلامی در هفته گذشته همچنان شعارهای جنگ طلبانه خود را تکرار کردند. از جمله آیت الله خمینی در پیام ۲۲ بهمن خود باز تاکید کرد که جنگ مساله اصلی کشور است. با این همه میزان تبلیغات رژیم با تحرک هفته های گذشته در جبهه ها همخوانی نداشت و بر بن بست رژیم حکایت می کرد.

اخیراً مسئولین جمهوری اسلامی سیاست رژیم مبنی بر تداوم جنگ را به شکل جدیدی فرموله کرده اند. رفسنجانی در مصاحبه ۲۰ بهمن خود با خبرنگاران داخلی و خارجی در پاسخ به سؤال یکی خبرنگاران ژاپنی که از او پرسید زمان حمله بزرگ کی خواهد بود گفت:

"برای ما الان جنبه های نظامی جنگ زیاد مهم نیست چون یک مرحله ای بود که دشمن در خاک ما بود و به هر قیمتی و به هر شکلی و در هر فرصتی به دشمن حمله می کردیم تا بیرون برود و یا نابود شود. اکنون در اکثر نقاط ما روی مرز خود هستیم یا کمی داخل خاک عراق هستیم و در بعضی جاها مثل نفت شهر، عراق در داخل خاک ماست. این هم دلیلی دارد که در آنجا فشاری نیآورده ایم. آمادگی ما محفوظ است."

جنبه سیاسی جنگ اکنون برای ما مهم است. ما طالب از بین رفتن نیروهای خودمان و مردم عراق نیستیم. در شرایطی این حمله را انجام می دهیم که بعداً نیازی به ادامه جنگ نباشد و کار جنگ تمام بشود. بنابراین آمادگی محفوظ است ولی زمان آن بستگی به شرایط سیاسی منطقه دارد."

خامنه ای هم بر اساس این فرمول جدید گفته است که جنگ برای جمهوری اسلامی یک ماهیت سیاسی دارد. رفسنجانی در دیدار خود با شرکت کنندگان در کنفرانس اندیشه اسلامی نیز از همین

زاویه سیاست تداوم جنگ رژیم را تبیین کرده و به توافق خامنه ای با آن اشاره نموده است.

چگونگی احداث خطوط لوله نفت و گاز ایران به ترکیه

بهزاد نبوی وزیر صنایع سنتین به دنبال بازگشت از ترکیه قرارداد جدید جمهوری اسلامی با ترکیه را برای احداث خط لوله نفت و گاز برای خبرنگاران تشریح کرد. وی گفت: "بر اساس بررسی های مقدماتی میزان سرمایه گذاری برای احداث خط لوله گاز ایران به ترکیه بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار برآورد شده است که از این مقدار حدود ۲/۵ میلیارد دلار از سوی ایران، بیش از ۴ میلیارد دلار توسط ترکیه و بیش از ۴ میلیارد دلار از سوی یونان تامین خواهد شد." (تجسس و تآلیف در ایران) در مورد احداث خط لوله نفت نیز نبوی اظهار داشت "میزان سرمایه گذاری احداث خط لوله نفت ایران به ترکیه حدود ۲ میلیارد دلار برآورد شده است که طرفین به مقدار مساوی بر روی آن سرمایه گذاری خواهند کرد. ضمناً سهم سرمایه گذاریهای ایران در احداث این دو خط لوله از طریق پرداخت نفت قابل تامین است."

در همین مصاحبه نبوی اعلام کرد که سقف اعتبار دو کشور از ۲۰۰ میلیون دلار به ۴۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

نبوی در مصاحبه مذکور از رابطه صمیمانه جمهوری اسلامی با رژیم ترکیه اظهار خرسندی فراوان کرد و گفت "ترکیه یک کشور همسایه و مسلمان می باشد و رابطه ما با این کشور بهترین نوع رابطه اقتصادی است."

ژنرالهای حاکم و سرمایه داران بزرگ ترکیه امیدوارند از طریق این گونه قراردادها با ایران به اقتصاد ورشکسته ترکیه سروسامان دهند.

جمهوری اسلامی خواهان همکاری با اخوان المسلمین است

جمهوری اسلامی هراز گاهی کنفرانسهایی با عناوین مختلف تشکیل داده و وعده ای میهمانان خارجی را نیز به این مجامع دعوت می کند. این میهمانان که با عنوان رهبران نهضت ها و صاحبان اندیشه با آنها برخورد می شود عده ای عناصر کمنامند که غالباً شان یابی خواهند از کیسه خلیفه جمهوری اسلامی ارتزاق کرده و یا پلهای ارتباطی بین رژیم ایران و محافل آشکار و پنهان امپریالیستی باشند.

اخیراً یکی دیگر از این کنفرانسها در تهران برگزار شد که عنوان آن کنفرانس انسندیشه اسلامی بود. هاشمی رفسنجانی در دیدار با میهمانان خارجی شرکت کننده در این کنفرانس سیاست رژیم را در برخورد با "نهضت های اسلامی" تشریح کرد. وی در این دیدار گفت جمهوری اسلامی با آن احزابی ارتباط برقرار می کند که در نظر این رژیم "مقبولیت" داشته باشند. وی در همین دیدار تصریح کرد که "جمهوری اسلامی مایل به همکاری با جماعت اخوان المسلمین است ولی بعضی از فرقه هایشان هنوز تمایل نشان نمی دهند." لازم بیاد آوری است که همین سه سال قبل بود که دسته ای از اخوان المسلمین در شهر حماة سوریه به اقدامات



جمهوری اسلامی پاسداری نظام اقتصادی رژیم شاه است

یک نماینده مجلس:
"اشکال اساسی که امروز بر سر راه سازندگی و توسعه اقتصادی ما وجود دارد، این است که مادر قالیهای برنامه ریزی نظام گذشته مانده ایم و می خواهیم با حفظ آنها به استقلال اقتصادی برسیم. چنین چیزی محال است. بسیاری از متخصصان و برنامه ریزان فعلی دولت در تاروپود نظام برنامه ریزی و دیوان سالاری گذشته مانده اند." (کنیهان هوایی-۲۴ بهمن)

ارزش زدن حد

یک امام جمعه:
"حدی که در روی زمین اجرا می شود، پاک تر و بهتر از بارانی است که بر روی زمین می بارد. اجرای یک حد بهتر است از باریدن چهل روز باران." (جمهوری اسلامی-۲۰ دی)

مافیادرتربیت بدنی

راغفر معاون سازمان تربیت بدنی:
"من شخصا ادعا می کنم که یک کارشناس فوتبال هستم و می گویم فوتبال ما الله بختی بوده و هست. ورزش ریشه ای به اسم فوتبال نداشتیم و هر کس ادعا کند فلان بازیکن مال من است دروغی بیش نیست... جامعه ورزش ما یک سیستم مافیایی است. ممکن است از مافیاهای خارجی پول دریافت نکنند و یا می کنند ما خبر نداریم. حاکمیتی که بر ورزش ما سوار است همان سیستم مافیایی است ما این را تحلیل می کنیم و شعار می دهیم لا کنیهان هوایی-۲۴ بهمن)

افاضات یکی از مسئولین ورزش ج.ا.

اخیرا ورزشکاران رشته هاکی ایران برای انجام مسابقه به بنگلادش رفته بودند. سازمان تربیت بدنی سرپرست هیئت ورزشی ایران بود. از میان مجموعه پرگویی های منتشر شده او در داکا دو نمونه را برگزیده ایم که بیانگر بیش سردمداران کلونی ورزش ایران است.

محمدزاده در سخنرانی شب دعای کمیل در داکا:
"در زمان شاه ملعون معلوم نبود ورزشکاران برای چه ورزش می کنند و پشتک و بار می زنند، اما حالا ورزشکاران ایرانی برای اسلام پشتک می زنند."

محمدزاده در مسجد داکا خطاب به ورزشکاران ایرانی:
"وقتی خواستید نماز بخوانید توجه کنید که این مسجد سنی است و چون این نماز سنی است بنابراین اگر بازیکنان نماز هم نتوانند اشکالی ندارد، فقط کافی است دولا و راست شوند."

میلیون دلار کالاهای غیر مصرفی به خارج صادر شده است. نسبت ارز صادرات کالاهای غیر نفتی به کل صادرات کشور ۲٪ و نسبت صادرات کالاهای غیر نفتی به واردات کل کشور برابر یک شصتم می باشد. غلبه کامل سهم خدمات در تولید ناخالص ملی بر این روند تاثیر مهمی به جا گذاشته است. ۲۰ مارتولید ناخالص ملی در سال ۶۱، سهم کشاورزی را ۱۷ درصد، سهم صنعت را ۲۲ درصد و سهم خدمات را ۶۰ درصد تعیین کرده است.

در صنعت بهیار کشور کرایش غالب، تولید کالاهای مصرفی است. طبق آمار وزارت صنایع تا کنون سهم موافقت های اصولی برای تولید کالاهای مصرفی ۷۰ درصد، کالاهای سرمایه ای ۴ درصد و کالاهای واسطه ای ۲۶ درصد بوده است.

مردم به شدت نگران وضعیت بهداشت کشورند

شیوع بیماری بیماریهای واگیر و در مقابل آن کمبود شدید امکانات بهداشتی و درمانی مردم را به شدت نگران ساخته است. اخیرا که وزارت بهداشت اطلاعاتی معمولی در مورد ضرورت تزریق واکسن "ب.ث.ژ" برای کودکان زیر ۶ سال صادر کرده، بسیاری از مردم به گمان این که بیماری مری تازه ای شیوع یافته است به مراکز درمانی رجوع کردند. در میان مراجعین حتی افراد بالای ۵۰ سال نیز به چشم می خوردند. اکنون برای تزریق واکسن "ب.ث.ژ" به کودکان، مردم باید ساعتها در صفهای چند صد متری در انتظار بایستند.

شیوع بیماری سالک در ترکمن صحرا

بیماری سالک که عامل اصلی انتقال آن موش صحرایی و پشه خاکی است، در ترکمن صحرا به نحو خطرناکی شایع شده است. یکی از نمایندگان مجلس تعداد افراد مبتلا به سالک را ۲۰ درصد اهالی کل روستاهای اطراف گنبد تخمین می زند. وزیر بهداشت در مجلس، ضمن اعتراف به شیوع خطرناک این بیماری در ترکمن صحرا گفت از آنجایی که سپاهی برای از بین بردن عوامل انتقال بیماری ۱/۵ میلیون تومان خرج دارد و در بودجه دولت برای چنین مخارجی پیش بینی نشده و نمی توان این مبلغ را تأمین کرد، وزارتخانه او تنها اقدامات بسیار محدودی را می تواند برای مبارزه با این بیماری انجام دهد.

آغاز کار دستگاه جدید قطع اعضای بدن در زندان قصر

دستگاه جدیدی که کار آن بریدن اعضای بدن انسانها و پیاده کردن لایحه قصاص است، رسماً مورد بهره برداری قرار گرفت. روز ۱۷ بهمن ماه در زندان قصر چهار انگشت دست راست چهار متهم به سرقت به وسیله این دستگاه قطع شد. در مراسم بهره برداری از این دستگاه، دادستان، رئیس زندان قصر و دادیار ناظر بر این زندان شرکت داشتند. عده ای از زندانیان را نیز به عنوان تماشاگر وادار به حضور در این مراسم نمودند.

سلاحخانه ای علیه دولت ملی این کشور دست زده بودند. در آن زمان جمهوری اسلامی این دسته را محکوم کرده بود.

"آیات قتال را چرا نمی خوانید؟"

میهناتان خارجی شرکت کننده در کنفرانس اندیشه اسلامی با آیت الله خمینی نیز دیدار کردند. او در این دیدار کوشید در برابر اعتراضات فرآیندها، پهنائی علیه کشتار در ایران به مقابله برخیزد و ضمن اعتراف به اینکه در سراسر جهان "از اختلاف ایران، از بنیادین ایران، از ژندانیهای ایران، از شکنجه های ایران، از کشتار بدون محاکمه" صحبت می کنند، ابتدا به تکذیب آن برخاست ولی در قسمت های بعدی این سخنرانی بلند اعلام داشت که باید هر آن کسی را که اندیشه و اعتقاد دینتری دارد بکشند، زندانی کنند، شکنجه نمایند. "قرآن با اشخاصی که مسلم هستند و معتقدند و ایمان به خدا دارند به برادری رفتار می کند. با اشخاصی که برخلاف این هستند آنها را می گوید بکشید و بزنید، حسن کنید" آیت الله خمینی سپس با پر خاش به کسانی که اخیرا مخالفت های مصلحت اندیشانه ای با وضعیت زندان های جمهوری اسلامی ابراز داشته بودند، پاسخ داد که "شما سوره برائت را برای مردم چرا نمی خوانید؟ شما آیات قتال را چرا نمی خوانید؟ می آیات رحمت را می خوانید؟"

تغییرات درد ادستانی انقلاب مرکز

مرجعین حاکم با پاره ای تغییرات در کادر مسئولین زندانها، مفری برای کاستن از شدت اعتراضات گسترده و پختیر مردم ایران و سراسر جهان علیه سفاکیهای رژیم، جستجو می کنند. شاخص ترین اقدامی که در ماه جاری در این زمینه صورت گرفت، کزینش شخصی بنام صحت الاسلام رازینی بجای اسدالله لاجوردی در سمت "دادستان انقلاب مرکز" است. در خبر کوتاهی که به این مناسبت از سوی رژیم انتشار یافت تنها به کزینش رازینی اشاره شد و اسمی از لاجوردی برده نشد.

سمت بعدی اسدالله لاجوردی که از مهره های اصلی رژیم جمهوری اسلامی می باشد، تاکنون اعلام نگردیده است. اما از آنجا که رژیم در صدد است کار مرکوب و پختیر را در وزارت اطلاعات متمرکز نماید این احتمال منتهی نیست که این دژخیم رسوا نیز همانند ری شهری به وزارت اطلاعات که جانشین ساواک شده است منتقل شود.

وضعیت واردات و صادرات کشور

بر میزان واردات و صادرات کشور که سهم عمده ای از آن را کالاهای مصرفی تشکیل می دهد هر ساله افزوده شده و در عوض از صادرات غیر نفتی با سرعت فاجعه باری کاسته می گردد.

بر اساس سخنرانی پیش از دستور یکی از نمایندگان مجلس در جلسه ۱۷ بهمن می توان ارقام زیر را در مورد صادرات و واردات کشور ارائه نمود: از ۲۲ میلیارد دلار واردات سال ۶۲، ۴۰ درصد آن کالاهای مصرفی بوده است. در همین سال تنها ۱۵۰

همبستگی گسترده با مردم و انقلابیون ایران در هندوستان

بقیه از صفحه اول

در پایان نامه کنتره سراسری اتحادیه‌های کارگری هند- واحد مدرس، خطاب به دبیر کل سازمان ملل آمده است: "ما امیدواریم که شادخواست ما را در زمینه پایان دادن به شکنجه‌های وحشیانه و آزادی فوری زندانیان سیاسی ایران به دولت ایران ارائه خواهد نمود."

مشابه همین نامه از سوی کنتره سراسری اتحادیه‌های کارگری هند واحد مدرس توسط دبیر کل آن وی. راج موهان برای آقای راجیو گاندی، رئیس جنبش عدم تعهد و نخست وزیر هند ارسال گشته است. -فدراسیون کارکنان تامیلنادر بانک در مدرس نیز طی نامه‌ای که برای نخست وزیر و شورای وزیران هند ارسال داشته است اعتراض شدید خود را نسبت به نقض حقوق بشر در ایران ابراز داشته است. در این نامه از جمله آمده است:

"تمام جهان با نگرانی عمیق نظاره گر سرکوب وحشیانه مردم ترقی خواه ایران، توسط رژیم بنیادگرای حاکم می‌باشند. فدراسیون کارکنان بانک تامیلنادر، اتحادیه کارگری کارکنان بانک در ایالت تامیل نادو است که وابسته به انجمن سراسری کارکنان بانک هندوستان میباشد... فدراسیون کارمندان بانک تامیلنادر از شخص شما به عنوان نخست وزیر هند و رئیس جنبش عدم تعهد، تقاضا می‌کند که قدرت و نفوذ خود را بکار گیرید تا شرایط مناسب افکار عمومی در سطح بین المللی برای برکردن حقوق بشر و شرایط دموکراتیک برای مردم ستمدیده ایران که با استواری بر علیه رژیم بنیادگرا مبارزه می‌کند، فراهم گردد."

فدراسیون کارکنان تامیلنادر بانک طی نامه‌ای دیگر که برای دبیر کل سازمان ملل آقای خاویر پروز کوئیار ارسال داشته است ضمن اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران از دبیر کل سازمان ملل خواستار شد حداکثر تلاش جهت اعمال فشار بر رژیم جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق بشر در ایران بکار گرفته شود.

کارناتاکا

از سوی تعداد زیادی از احزاب، سازمانهای جوانان و دانشجویان و اتحادیه‌های کارگری ترقی ایالت کارناتاکای هندوستان نیز نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال گشته است. در این نامه از جمله آمده است:

"در سالهای اخیر هزاران تن از افراد بی گناه از زن و مرد پیر و جوان، وابسته به جریانهایی گوناگون سیاسی، مذهبی اعدام شده اند. در پایان نامه خطاب به دبیر کل سازمان ملل نوشته شده است:

"ما مطمئنیم که شما کاملاً از اوضاع ایران با خبر هستید. به همین دلیل از ورود تفصیلی در حوادث خودداری می‌کنیم. بار دیگر ما امضاکنندگان زیر، احزاب، اتحادیه‌های کارگری، سازمانهای جوانان و دانشجویان از شما خواهش می‌کنیم که اقدام عاجلی در این مورد انجام دهید." این نامه به امضای احزاب و تشکلهای زیر در کارناتاکا رسیده است: حزب

کمونیست هند (مارکسیست)، مرکز اتحادیه‌های کارگری هندوستان، فدراسیون سراسری جوانان هند، کنتره اتحادیه کارگری سراسری هند، فدراسیون جوانان دمکرات، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، هند، اتحادیه کارکنان بیمارستانها و دیگر موسسات درمانی و فدراسیون کارکنان بانک ایالت کارناتاکا. همچنین اتحادیه‌های کارگری دیگری در بنگلور نامه مزبور را امضا کرده اند: اتحادیه کارگری کارخانه ویدیک هند، اتحادیه کارگری کارخانه اچ.ا.ال، اتحادیه کارگری کارخانه چای تاتا، اتحادیه کارگری کارخانه ام. دبلیو. ام. آی، اتحادیه کارگری کارخانجات ام. ای. ام و جی. ای. بی و بیش از ده اتحادیه کارگری کارخانه‌های مختلف بنگلور.

تامیل نادو

از سوی انجمن شاعران ایالت تامیل نادو- هند برای نخست وزیر شورای وزیران و دولت هند نامه‌ای ارسال شده است که متن آن تحت عنوان پایمال شدن حقوق بشر در ایران بدین قرار است:

"بسیاری از نویسندگان، شاعران، روشنفکران بوسیله دولت جمهوری اسلامی ایران به قتل می‌رسند. حتی زنان و کودکان نیز در معرض این گونه جنایات در زندانهای ایران هستند." در پایان انجمن شاعران ایالت تامیل نادو از نخست وزیر هند خواسته است که هر چه زودتر از امکانات خود برای پایان دادن به پایمال شدن حقوق بشر در ایران استفاده کند.

- از سوی چانگاتنهان، رئیس فدراسیون ملی نویسندگان ترقی در ایالت تامیل نادو نیز دو نامه جداگانه برای خاویر پروز کوئیار دبیر کل سازمان ملل و راجیو گاندی نخست وزیر هند و رئیس جنبش عدم تعهد ارسال شده است که شدیداً به سیاست جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی ایران و سرکوب و اختناق در ایران اعتراض شده است.

- "مانر ماتان" شخصیت برجسته و شاعر معروف در ایالت "تامیل نادو" هند متن زیر را برای نخست وزیر و دبیر کل سازمان ملل ارسال داشته است: نقض حقوق بشر در ایران، به شکل رفتن باری در جریان است. به عنوان یک بشردوست و یک شاعر، از رئیس جمهور هند، نخست وزیر راجیو گاندی و دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست می‌کنم که اقدام جدی در جهت پایان دادن به این تضییقات انجام دهند. همه مردم صلح دوست جهان مشتاقانه چشم انتظار آزادی فوری زندانیان سیاسی هستند."

- متن زیر از طرف فدراسیون جوانان دمکرات هند در ایالت تامیل نادو برای رئیس جنبش عدم تعهد و نخست وزیر هند، آقای راجیو گاندی ارسال شده است:

"ما از شنیدن خبر اعدام هزاران فعال سیاسی در زندانهای ایران و از شکنجه شدن آنها بوسیله دولتمردان فعلی ایران، بسیار متأسف شدیم... ما از طرف جوانان دمکرات تامیل نادو، جمهوری اسلامی

را که هزاران تن را فقط فقط به خاطر ندای حق طلبانه‌شان برای حقوق دموکراتیک زندانی و شکنجه می‌کنند محکوم کرده و خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی هستیم.

ما از شما، بعنوان رئیس جنبش عدم تعهد می‌خواهیم که از نفوذ خود جهت آزادی همه زندانیان سیاسی ایران سود ببرید."

دهلی نو

کنفرانس سران شش کشور یونان، تائزانیای سوئد، آرژانتین، مکزیک و هندوستان، در ۲۸ ژانویه در دهلی نو برگزار گردید. این کنفرانس برای انجام اقداماتی در زمینه تامین صلح جهانی، توقف مسابقه تسلیحاتی و کاهش خطر جنگ هسته‌ای تشکیل گردید.

از طرف رفقای فدایی و توده‌ای در هندوستان درخواستنامه‌ای خطاب به نشست رهبران شش کشور مزبور صادر گردید. این نامه برای رهبران شش کشور و سفارتخانه‌های آنان ارسال شد و در روزنامه هانیز انکسار گسترده‌ای یافت. در این نامه ضمن ارج نهادن بر اینگونه ابتکارات صلح جویانه، اوضاع منطقه و سیاستهای رژیم‌های حاکم بر ایران و عراق تشریح گردید. در بخشی از نامه مزبور آمده است:

"همانگونه که اطلاع دارید، جنگ ایران و عراق بیش از چهار سال است که ادامه دارد. روز به روز خطر توسعه ابعاد آن بیشتر می‌شود... این جنگ ویرانگر قربانی بسیار و تعداد بیشماری وقایع غم انگیز ببار آورده است. این تعداد به سیمصد هزار نفر کشته، ۱/۵ میلیون نفر معلول و ۲ میلیون آواره از هر دو طرف رسیده است... میانجیگری شما برای قطع این جنگ بی معنای قدم بزرگی در جهت خواسته‌های صلح طلبانه شما و بدون شک قدم بزرگی برای همزیستی مسالمت آمیز خواهد بود. بنابراین مصرأ از شما می‌خواهیم که:

۱- تلاشهای خود را برای قطع جنگ ویرانگر و غیر انسانی ایران و عراق شدیدتر کنید.

۲- علیه دستگیریه‌ها، شکنجه‌ها و اعدامهای جنایت کارانه زندانیان سیاسی ایران اقدام کنید

۳- علیه سرکوب احزاب و سازمانهای میهن دوست اپوزیسیون در ایران اقدام کنید."

* * *

روزنامه جاناسکتی- قدرت خلقی- ارگان حزب کمونیست هند که به زبان تامیلی در مدرس چاپ می‌گردد، در شماره ۲۷ دسامبر خود به درج مقاله مشروحی درباره اوضاع ایران اقدام نموده است. در این مقاله ارگان حزب کمونیست هند به تشریح یورش رژیم به کمونیستها و سایر دموکراتهای ایرانی می‌پردازد و شکنجه‌های وحشیانه و کشتار وسیع رژیم جمهوری اسلامی را افشا می‌سازد. در بخشی از مقاله در تشریح وضعیت زنان ایران، روزنامه "قدرت خلقی" می‌نویسد:

"زنان نیز از جنایات رژیم بی بهره نیستند. زنان ایران امروز دچار بدترین وضع در جهان هستند. زنان از حق شهادت دادن نیز محرومند. حق طلاق بدون موافقت و بدون اخلاق زن به مردان داده شده است. در حالیکه زن حق خلاق ندارد." *

باورکردنی نیست...

اما حقیقت دارد

در ایالات متحده آمریکا که زعمای سیاسی آن ادعای "پرچمداری جهان آزاد" را دارند، بازار خرید و فروش انسان پر رونق است. اخیراً شبکه "تلویزیونی ان-بی-سی" طی یک گزارش مستند نشان داد که در آمریکا کودکان مانند احشام در بازار خرید و فروش میشوند و به ویژه در ایالت کارولینای جنوبی این نوع تجارت انسان وسیعاً و با مجوز قانونی انجام میگردد. شبکه "تلویزیونی آمریکایی در گزارش مزبور باخانی به نام ماری اندروز ساکن شهر کوچک ساموئیل مصاحبه ای به عمل آورد که آشکارا اظهار میداشت، فرزند کوچک خود را "به علت مزاحمت هاشی که برای وی ایجاد میکرد، در ساموئل گذاشته به مبلغ سه هزار و پانصد دلار به فروش رسانیده است" در پی انتشار این خبر، اعتراضات و شکایات بسیاری علیه فروشنده و خریدار صورت گرفت و ولی از آنجائی که کارولینای جنوبی که برخی از اهالی آن هنوز جدا از القای برده داری متأسفانه، قانون خاصی در محکومیت این نوع معاملات به غایت ضد انسانی وجود خارجی ندارد، این اعتراضات به هیچ نتیجه ای نرسیدند.

برخلاف "ماری اندروز"، "هلن رابانز" زنی است که به کودکان عشق میورزد و لذا از اینکه نوه خود وی توسط پدر و مادرش به مبلغ دو هزار و دو بیست دلار در خارج ایالات متحده به فروش رسیده، متأسف است. البته با توجه به شرایط حقوقی موجود در ایالت، وکلای هلن رابانز نیز تابحال نتوانسته اند در مقابل این عمل انجام شده کاری از پیش ببرند. به گفته مفسر شبکه "ان-بی-سی" خرید و فروش کودکان مدتهاست که در کارولینای جنوبی به نوعی تجارت آسان بدل گشته است. در گزارش گزیده ای از صفحات "آگهی ها و اعلانات" روزنامه های رسمی کارولینای جنوبی را از نظر بینندگان تلویزیون گذشت: "فروش نوزاد... به ده هزار دلار..."، "دختر سفید پوست... خرید اربم...".

در این میان نقش دلالت خرید و فروش کودکان را نباید از یاد برد. آنان نیز جدیدترین اطلاعات و

آمار در باره وضع بازار، عرضه و تقاضا را در اختیار دارند.

البته اخیراً بیش نویسن قانون نیم بندی برای جلوگیری از این نوع تجارت به مجلس قانون گذاری ایالت ارائه شده که به علت "نیم بند بودن حتی در صورت تصویب و تبدیل شدن به قانون، راههای فرار متعددی را برای معامله گران انسان باز می گذارد، بنابراین کارولینای جنوبی کماکان به صورت کعبه آمل این جنایت پیشگان باقی خواهد ماند.

اما... شاید کارولینای جنوبی تنها یک استثنا است، چیزی شبیه یک عضو ناقص بر پیکر سالم "ایالات متحده آزاد و دموکراتیک آمریکا" متأسفانه چنین حکمی نیز استثنا است.

مدت کوتاهی پس از پخش گزارش شبکه "ان-بی-سی" درباره ایالات کارولینای جنوبی، رسانه های گروهی اخبار و مشاهدات تکان دهنده ای را که حاکی از تجارت کودکان در تگزاس بود، منتشر ساختند. البته در آنجا خانم نلدا کالون سی ونه ساله پس از انجماد بیش از ۷۰ فقره معامله بر سر کودکانی که شخصاً از فقیرترین کشورهای آمریکای مرکزی وارد میکرد "محاکمه گردید. جالب اینست که نلدا کالون نه به خاطر ارتکاب به کیف ترین نوع تجارت انسان، بلکه به جرم فروش کالا با کیفیت نازل محاکمه شده است. برخی از خریداران از شبهه ابتدائی جعل اسناد خرید کودکان ناراضی و مایل به پس دادن "کالا" بوده اند که متقابلاً نلدا کالون حاضر به پرداخت "بیمعانه" نگردیده و کار به دادگاه کشیده است.

"انسان چه نام غرور انگیزی" این عبارت ماکسیم گورکی اکنون به یکی از اصول خدشه ناپذیر زندگی در جامعه شوروی تبدیل گشته است، که بر اساس آن انسان و به ویژه کودک دارای والاترین ارزش های نظام سوسیالیستی میباشد.

در آمریکا معیارهای کاملاً متفاوتی برای ارزش گذاری اشیا و انسان ها موجود است: "چه قدر؟!... منظور از این سوال تنها میتواند بهاء میزان درآمد و یا مقدار موجودی بانکی هر شخص باشد! ماکسیم کیناسکوف - گزارشگر خبرگزاری "تاس"

را مورد بازرسی بدنی قرار دادند و در همان محل ساختمان کنفرانس بازنمیر و چاقو به رفقای توده ای حمله ور شدند. شدت ضربات وارده به برخی از این رفقا به حدی است که حتی یک تن از آنان در بیمارستان مورد عمل جراحی قرار گرفت. قداره کشان رژیم به مأمورین محافظتیونسکو نیز که برای برقراری نظم آمده بودند، حمله ور گشتند.

این نخستین بار نیست که اوپاشان رژیم از خود چنین گستاخی هایی را نشان می دهند و این چنین چهره پلید رهبران خود را آشکار می سازند. وبی گمان اگر اتحاد عمل نیروهای مترقی وجود نداشته باشد، آخرین بار نیز نخواهد بود. هر چه رژیم در سطح ملی و بین المللی آبرو باخته تر و مفتضح تر می گردد، بیشتر به این گونه اوپاشگری ها روی آورد.

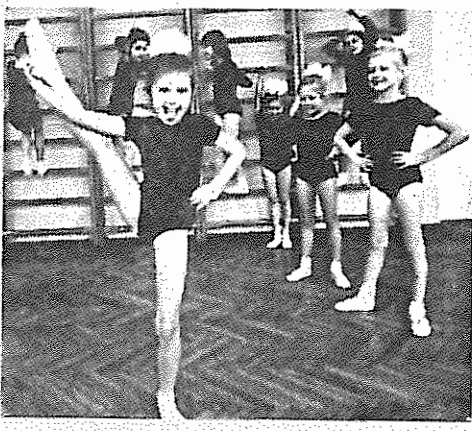
هواداران سازمان در پاریس در رابطه با این اوپاشگری تازه مزدوران رژیم در پاریس اعلامیه ای منتشر کرده و در طی آن قداره کشی های اوپاشان جمهوری اسلامی را الفشا و محکوم نموده اند.

کودک و خانواده

در اتحاد شوروی

در اتحاد شوروی کودک جایگاه ویژه ای در اجتماع دارد. کودکان، سازندگان جامعه فردا، جامعه سوسیالیستی، آینده شکوفا و باز هم شکوفاتر خود را در سیمای انسانهای کوچک شادابی می بینند که امروز محتاج توجه، رسیدگی و تربیت بزرگسالانند و فردا، دستان توانایشان و اندیشه خلقتشان صفحات زمین سپر شکوهمند جامعه را به سوی آینده ای درخشان، به سوی کمونیسم رقم خواهد زد. پنجاه سال است که همه کودکان اتحاد شوروی از سن شش سالگی به مدرسه می روند. هر جا کودکی باشد، چه در یک شهر بزرگ، چه در کوهستان و چه در دشت های گسترده توندرا، تحصیلات ده ساله عمومی شامل او هم می شود. برخی کودکان مناطق دور افتاده را هر روز با موبایما یا هلی کوپتر به مدرسه می برند! طبق قانون آموزش عمومی، مخارج تحصیل کودکان الزامی است. مثلاً چاپ کتب درسی کودکان قوم اسکیموها، ۵ برابر بیش از کتب درسی روسی زبان بوده که به خود اختصاص می دهد.

در اتحاد شوروی مخارج نگهداری از کودکان برای خانواده ها دائماً رو به کاهش است. دولت برای بهبود وضع مسکن خانواده های دارای نوزاد اقدامات ویژه انجام می دهد. شبکه کودکانها و مهد کودکانها در مناطق مسکونی دائماً گسترش می یابد. استراحتگاه های مخصوصی برای خانواده های دارای کودک وجود دارد. مرزین باردار قبل و پس از تولد فرزندش در مجموع یک سال مرخصی با حقوق کامل می گیرد. ساعات کار مادران دارای نوزاد را مرتباً کاهش می دهند. در بسیاری از شهرها، مراکز خدمات در نزدیکی محل کار زنان قرار دارد. در واحدهای بزرگ تولیدی، شعب مراکز خدماتی، از خشک شویی گرفته تا تعمیرگاه، ایجاد شده است. در بسیاری واحدها همچنین شعبه های فروشگاه های مواد غذایی وجود دارد که می توان قبل از آغاز کار سفارش را به آن تحویل داد و پس از پایان کار، کالاها را تحویل گرفت. بدین ترتیب وقت خرید صرفه جویی می شود. زن متاهل از این طریق می تواند وقت بیشتری را صرف خانه و خانواده کند. کودک در خانواده ای که والدین آن، وقت بیشتری برای تربیت او می گذارند، پرورش بهتری می یابد.



قداره کشی اوپاشان رژیم... بقیه از صفحه اول

گذشته جمعی از ایرانیان ترقیبخواه به دفتر یونسکو رجوع کردند تا اعتراض خود را نسبت به دعوت از عوامل جمهوری اسلامی به اطلاع این سازمان برسانند، اما عوامل رژیم زمینه دستگیری قریب به ۲۰ نفر از آنان را به توسط پلیس فرانسه فراهم آوردند. دستگیری این عده بردامنه اعتراضات افزود.

روز پنجشنبه که تعدادی از افراد نیروهای مترقی در محل کنفرانس دست به افشاکاری علیه جنایات رژیم زدند، در راهروی مقر یونسکو مورد حمله وحشیانه اوپاشان رژیم قرار گرفتند که در پی آن به دلیل جراحات وارده روانه بیمارستان شوند.

فردای این روز جمعی از رفقای حزب توده ایران برای اعتراض به حضور عوامل رژیم در کنفرانس و قداره کشی اوپاشان جمهوری اسلامی، به مقر یونسکو رجوع نمودند. اما این بار اوپاشان رژیم که گستاخ تر شده بودند، حتی برای ورود به محل آنها

مجموعه گزارشهایی از زندانهای تهران

بخش آخر

زن و فرزند خردسال یکی از رفقای سازمان را در جلوی چشمان او به شکل‌های مختلف شکنجه می‌کردند. هنوز صدای هوسر دلاور این رفیق در گوش طنین افکن است که فریاد می‌زد: "مامیچ چیز نمی‌دانیم این افراد را نه شوهرم می‌شناسد و نه من!"

کمیتة مشترک یک زندان معمولی نیست که در آن فرد برای دوره مشخصی زیر بازجویی است. کمیتة مشترک یعنی شکنجه بازجویی-شکنجه بازجویی... در این زندان انقلابی اسیر یک ساعت نیز به حال خود رها نمی‌شود. بازجویان و دژخیم‌ها نیز تکاپوی ویژه‌ای دارند؛ همه این طرف و آن طرف می‌دوند، هم‌شان کلافه و عصبی هستند، مقاومت زندانیان حالت عصبی آنها را به جنون تبدیل می‌سازد، مثل خرس زخمی این طرف و آن طرف می‌دوند، یکی شلاق می‌زند، یکی دوان دوان میله سرخ شده می‌آورد، یکی دنبال بطری آب جوش است... در یک مورد یکی از رفقا در تشریح حالت شکنجه‌گری به نام علی ثابت تعریف می‌کرد که یکبار به یک رفیق دختر توده‌ای

در شماره گذشته، بخشی از گزارش یک رفیق در مورد زندان کمیتة مشترک (بند ۲۸) را از نظراتان گذرانده‌ام. اینک ادامه این گزارش را پی می‌گیریم:

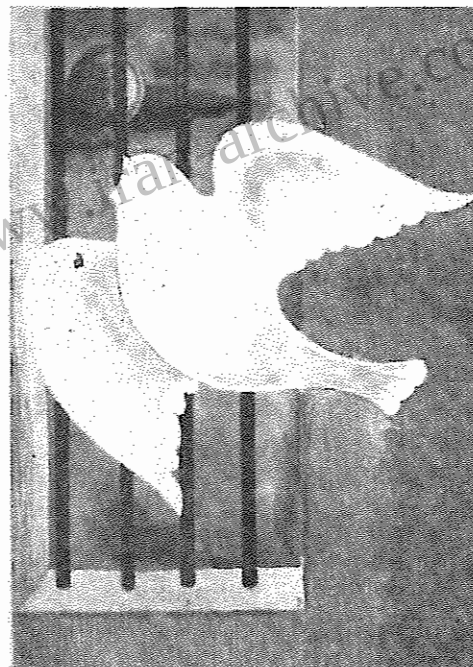
بازجویی-شکنجه-بازجویی-شکنجه...

"همچنان که گفتم بعد از روز اول دستگیری و بعد از اولین بازجویی در زندان کمیتة مشترک، زندانی را به داخل سلولهای انفرادی می‌اندازند و اگر سلولهای "انتظار شکنجه" پر باشد، فرد باید برای این که به قول بازجویان "دم دست" باشد، ساعت‌های عذاب‌آوری را در یکی از راهروها و یا فلکه‌های زندان، در جوار اتاقهای شکنجه سپری کند تا نوبتش برسد.

بعد از این که شلاق و مشت و لگد کارگر نیفتاد، شکنجه‌های بعدی آغاز می‌شود. شکنجه‌ای که معمولاً بعد از شلاق زدن به کف پا مورد استفاده قرار می‌گیرد، آویزان کردن زندانی است. زندانی را از دوست به گونه‌ای آویزان می‌کنند که تنها نوک شصت پایش به زمین ساییده شود. چند دقیقه نمی‌گذرد که درد شدیدی کتف، شانه و مچ دست را در هم می‌فشارد. درد به حدی شدید است که انگار دارند دست آدم را از کتف جدا می‌کنند. نوع شاقتر این شکنجه آویزان کردن زندانی در حالتی که او را دست بند قبانی زده‌اند، می‌باشد. زندانی را از قسمت دستبند آویزان می‌کنند. این شکنجه به شدت عذاب‌آور است و تاکنون افراد بسیاری را به این طریق به شهادت رسانده‌اند. در حالت دیگر این شکنجه، زندانی را از پا آویزان می‌کنند. این شکنجه فرد را به سرعت در آستانه مرگ قرار می‌دهد. حتی این نوع ضد بشری شکنجه نیز خوی حیوانی دژخیمان جمهوری اسلامی را ارضا نمی‌کند: کسانی از مسئولین حزب توده ایران را از شصت پا آویزان کرده بودند.

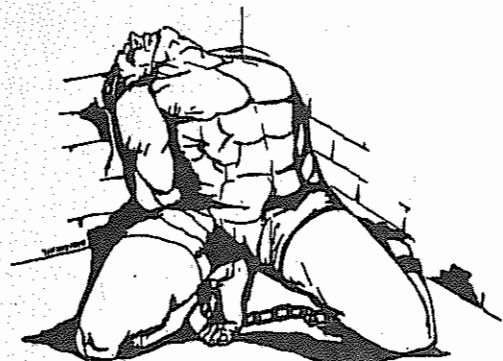
یک روز که در راهروی بند قرار داشتم با شنیدن صدای زمین خوردن مداوم یک زندانی کنج‌کاوشدم و به زحمت از زیر چشم بند به طرف صدا تگزیستم. رفیقی را دیدم که به سمت دست شویی می‌رفت ولی در هر گام زمین می‌خورد، وقتی از راه رفتن مایوس شد، کوشش کرد چهار دست و پا حرکت کند ولی باز تعدادش را از دست می‌داد. بعد از یک فرصت مناسب از او پرسیدم که بر او چه گذشته است. رفیق که مقاومتش افسانه وار بود برای توضیح داد که آنقدر او را از شصت پا آویزان نگه داشتند که دکتر ور دست جلادها، نظر داد تا دقایقی دیگر ممکن است بمیرد. تنها این هشدار باعث شده بود که دژخیمان مدتی این شکنجه را در مورد او متوقف سازند.

در کمیتة مشترک آمپول‌های مخدر و روانگردان و شوک‌های الکتریکی نیز با شلاق، آهولو، دستگاه چهارمیخ کشیدن و... ترکیب می‌شود. جلادان به اینها نیز بسته نمی‌کنند و تلاش می‌ورزند از عواطف انسانی هم برای خرد کردن زندانی بهره‌برداری نمایند. من خود شاهد بودم که یک روز از صبح تا شب



گفت: "تو که پدر مرا در آوردی، بیابا به خیانت‌های اعتراف کن تا هم من آسوده شوم و هم خودت!" آن رفیق قهرمان جواب داد: "تو باید به خیانت‌های خودت اعتراف کنی نه من!" این پاسخ دندان شکن چنان جلاد را عصبی کرد که کف بر لب آورد و از شدت عصبانیت دندانهایش کلید شد، وقتی پامشت و لگد مجدداً به جان رفیقمان افتاد، خودش زودتر از حال رفت!

این صحنه‌ها و این مقاومت‌ها به سرعت در زندان دهان به دهان می‌پیچید و با ناخن بر در و دیوار حمام و دستشویی نگاشته می‌شد و به دیگران روحیه می‌داد. در راهرویی که ما بودیم یک کارگر مسن بود که هر روز او را باز هفت صبح تا هفت شب برای بازجویی می‌بردند. در جریان بازجویی او را خونین و مالان می‌کردند و بویژه از این که او با افتخار تمام



می‌گفت مارکسیست است و حاضر نیست از مرام خودش برگردد، به خشم می‌آمدند. چیره‌غذایی او را ابتدا به نصف تقلیل دادند و بعد آنقدر از آن کاستند که مزه دهانش را نیز تغییر نمی‌داد. رفیق همه این شکنجه‌ها و مشقات را با دلاوری و شیردلی ویژه‌ای تحمل کرد. اکنون من نمی‌دانم بر سر این رفیق چه آمده است. یک روز حالتش به شدت وخیم شد و از هوش رفت. او را ظاهراً به بیمارستان بردند ولی دیگر برنگردانده‌اند. من هر چه بعداً نیز پرس و جو کردم نتوانستم رد او را بیابم.

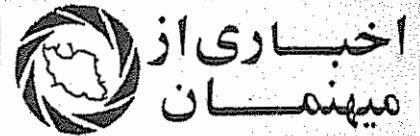
یک روز صبح تعداد زیادی از افراد بندما بازجویی داشتند. کمتر کسی از بین ما می‌توانست راه برود. همه به شدت شلاق خورده بودیم. پاهایمان را داخل پلاستیک کرده بودند که روی زمین خون نریزد. از بند که خارج می‌شدیم تا برای بازجویی برویم صدای خش خش این پلاستیک‌ها طنین دلخراشی داشت. هر گام که برمی‌داشتیم با ناله و فریاد توام بود. در همین حال نگهبانان به مالکد می‌زدند و هلمان می‌دادند. من آن دم به عینة پی بردم که ارتجاع و سرمای‌داری تا چه حد می‌توانند برای پاسداری از خود، انسانهای جانی و قسی‌القلبی را تربیت کنند. علی‌رغم این ادراک هنوز متعجبم که جلادان و نگهبانان زندان چگونه می‌توانستند شاهد آن صحنه دلخراش باشند.

در جمهوری اسلامی تنها در زندان است که بین زن و مرد مساوات قائل می‌شوند! زنان همانقدر و به همانسان شکنجه می‌شوند که مردان. در مدتی که در راهرو به سر می‌بردم، شاهد این "عدالت" بودم. در یک مورد یک رفیق زن را آنگونه شکنجه می‌کردند که فریادش در سرتاسر بند می‌پیچید. دوروز تمام شکنجه ادامه پیدا کرد تا این که دیگر فریاد آن دلاور خاموشی گرفت. شاید برای همیشه.

"زندگی" در کمیتة مشترک

زندانی در کمیتة مشترک تا زمانی که بازجو رضایت ندهد، باید همواره چشم‌هایش بسته باشد. بدترین نوع چشم بند، چشم بند ابری است که فشار زیادی بر روی کره چشم می‌آورد و مطلقاً نمی‌شود از زیر آن جایی را دید. این چشم بند را دژخیمان بند ۲۸۰، "چشم بند شاه" می‌نامند، لابد به این دلیل که مثل ساختمان این زندان و تمام آلات و ادوات آن میراث شاه است، میراثی که اخلاف رژیم سرنگون شده آن را بسیار عزیز می‌دارند!

در کمیتة مشترک کسی حق حرف زدن ندارد و باید حتی با چشمان بسته همواره رویش به سمت بقیه در صفحه ۱۰



یک سند و یک اعلامیه

گسترش روز افزون حرکات اعتراضی کارگری، ارتجاع حاکم را به هراس انداخته است. تک تک ارگانهای حکومتی به تکاپو افتاده اند تا مگر بتوانند مانع مبارزه استوار و پیگیر کارگران میهن ما گردند. وزارت کار برای هماهنگ ساختن کار سرکوب جنبش کارگری، ارگان ویژه ای سازمان داده است و از همه کارفرمایان و مدیران خواستار شد تا هر حرکت اعتراضی را فوراً به این ارگان و این وزارتخانه اطلاع دهند تا "اقدامات لازم بعمل آید". مراتب فوق طی نامه ای به وزارت صنایع اطلاع شد تا از این طریق به اطلاع کارفرمایان و مدیران رسانده شود. فعالین فدائی در تهران در اعلامیه ای که خطاب به کارگران صادر کردند عین نامه را کلیشه و منتشر ساختند. توجه شما را به بخشی از این اعلامیه جلب می کنیم.

روستاهای میهن صحنه مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان ورژیم ج ۱

روستای علی شیخ از توابع سکن آباد شهرستان خوی می باشد. در این روستا ۷۰ خانوار زندگی می کنند که از طریق کشاورزی و دامداری امرار معاش می کنند. بخش اعظم اراضی حاصلخیز این روستا در اختیار یک فئودال قرار دارد. این فئودال علاوه بر این اراضی، ۱۵۰۰ راس دام دارد. این دامدار بزرگ در سال جاری بجای اینکه طبق معمول هر ساله در اول بهار دامها را به بیلاق ببرد، در همان روستا نگهداشت و در میان چراگاههای محدود متعلق به روستائیان رها کرد. نتیجه این شد که چراگاه روستائیان که توان تعلیف ۱۵۰۰ راس دام را نداشت، در معرض نابودی قرار گرفت. از آنجا که با ادامه این وضعیت دامهای روستائیان نیز نابود می شد، آنها دسته جمعی اعتراض کردند. وقتیکه ارباب هیچ توجهی به این اعتراضات نکرد دهقانان متقابلاً دامهای خود را در مرتع متعلق به این دامدار بزرگ رها ساختند. در پی این اقدام روستائیان، حاکم شرع خوی بنا به خواست این فئودال، ۵ تن از روستائیان "آشوبگر" را زندانی کرد. برای زهر چشم گرفتن از روستائیان، زندانیان را به سرعت محاکمه کرده و به ۶ ماه حبس محکوم نمودند. چهار تن از دستگیر شدگان از اعضا "هسته مقاومت" بودند و یک تن دیگر رئیس شورای ده بود. با وجود این که حاکم شرع و دیگر مقامات شهرستان خوی آشکارا به پشتیبانی از این فئودال برخاسته بودند، دهقانان نهراسیده مبارزه را دنبال کردند. این بار زنان دامها را به مرتع بردند. واکنش دادگاه خوی این بود که دستور داد گروهی از شوهران این زنان را دستگیر نمایند. به این ترتیب دوازده تن دیگر بر زندانیان افزوده شدند. این اقدام بنوبه خود اعتراضات

جمهوری اسلامی ایران
۱۶۱۱۳
۱۳/۱/۱۱

وزارت صنایع

خواهشمند است به کلیه مدیران و مسئولان کارخانجات و شرکتها و کارگاههای تحت پوشش آن سازمان در سطح استان تهران دستور فرمائید در صورت بروز هرگونه مسائل و مشکلات کارگری از قبیل اعتصاب، تحصن و کم کاری و غیره ... در اسرع وقت مراتب را کتبا و یا به وسیله تلفنهای ۷۵۰۲۳۱ و ۷۶۱۱۳۲ به اطلاع این اداره کل برسانید تا به موقع اقدامات لازم بعمل آید.

ساسان نقشینه

مدیر کار و امور اجتماعی تهران
رونوشت جهت اطلاع به ... فرستاده شود
اجر کم غندا ...

کارگران مبارز!

متن سند فوق نشان میدهد که سردمداران رژیم توطئه جنایتکارانه ای را در جهت سرکوب و شکستن اعتراضات و مطالبات برخی شما کارگران شراکتند تدارلا دیده اند. برای غش کردن این توطئه مغفوب خود را متحد و متشکل سازید، مستعاض مغنی کارگری خود را در کارخانجات سازمان دهید و در راه حفظ سازمانهای مغنی خود از هیچ کوششی فروگذار نکنید. این سازمانها را به سنگر مبارزه خود بدل سازید و بدانید که قدرت شما در متشکل شاست و رژیم قادر نیست در برابر مبارزات متحد و متشکل شما بایستد.

هم وطنان مبارز!

به دفاع از اعتراضات و مطالبات برخی کارگران برخیزید و آنان را در مقابل با رژیم نرئج جمهوری اسلامی یاری رسانید و با مبارزه یکپارچه متحد و متشکل نقشه های ایران بر باد ده سردمداران رژیم را غش سازید و راه آماجهای مردمی انقلاب را که همان راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است هموار نمانید.

زنده باد طبع کارگران ایران!

ببروز باد مبارزات حق طلبانه مردم ایران در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.
درد بر همه انقلابین دریند!
۲۳ ماه ۱۱

وکلای کلاش اروپائی و آمریکائی بنوائی برسند. مثلاً اخیراً (در اواخر آبان ماه) این دادگاه با اتکا به بیانیه الجزایر به بررسی شکایت کمپانی سی.دی.سی آمریکائی پرداخت. وکیل برگزیده دولت ایران در این محاکمه رابرت لکنجر می باشد. این شخص بابت انجام وکالت در این محاکمه، ساعتی ۱۲۰ دلار دریافت می کند و علاوه بر آن هفت درصد از مبلغی که در نتیجه رای دادگاه از مبلغ ادعائی و موهم کمپانی سی.دی.سی کاسته شود، نصیب او می گردد.

لازم به ذکر است که آقای لکنجر، خود مدیر عامل سابق شرکت "یونیواک" بود که چندی قبل به نمایندگی از طرف این شرکت، طرف دعوی دولت ایران بود. اکنون این مدعی را نماینده ایران کرده اند!

آموزگاران "غیر مکتبی"

در جاده ساه دهکده ای وجود دارد به نام "حاج محمود". این روستا دارای مدرسه ایست که در آن شش نفر آموزگار به تدریس مشغول بودند. این آموزگاران در تعلیم کودکان کوشا بودند و هر از چندگاه آنها را دسته جمعی به گردش علمی می بردند.

تلاشهای بی دریغ این آموزگاران از دیدگاه مسئولین غیرعادی و سؤال برانگیز بود. آنها به تجربه دریافته اند که این گونه آموزگاران نباید "مکتبی" بوده باشند. لذا هر شش نفر را دستگیر و به اتهام تشکیل گروه به زندان کشاندند. دلیلی که برای طرح این اتهام ارائه کردند این بود که چرا دانش آموزان را به گردش علمی می بردید؟ به همین اتهام این آموزگاران را یک هفته در زندان نگهداشتند.

روستائیان را گسترده تر ساخت و علاوه بر آن نمایندگان دهقانان روستاهای همجوار علی شیخ به خوی نزد حاکم شرع رفته و ضمن طرح اعتراض، خواستار آزادی زندانیان شدند. در برابر این اعتراضات، حاکم شرع خوی عقب نشسته و زندانیان آزاد گردیدند. البته آنها را وادار به دادن تعهدنامه ای کردند مبنی بر اینکه اگر یک گوسفند به مرتع ارباب تجاوز کند! زندانیان آزاد شده باید در از آن پانصد هزار ریال نقد بعنوان جریمه بپردازند و علاوه بر آن به ۸۰ ضربه شلاق نیز محکوم خواهند شد. با وجود این تعهدات و تهدیدات، مبارزه در علی شیخ هم چنان ادامه یافت. از آن پس ازهم روستائیان، دامهای خود را به مرتع فئودال براند و مصمم هستند برای تصاحب این مرتع مبارزه را تا به آخر دنبال کنند.

در این میان نکته ای که جلب نظر می کرد این بود که درست در همین روزها از سوی سپاه پاسداران خوی اکیبی به منظور گردآوری نیزوهای "هسته مقاومت" و اعزام آنها به جبهه وارد علی شیخ گردید ولی مشاهده گردید که مسئول و معاون هسته همراه با تقریباً همه اعضا آن در زندان بسر می برند. این رویداد در عین حال تاثیر بزرگی در افشا سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی و از جمله سیاستهای جنگ افروزان آن گذاشت. بگونه ای پس از آن "هسته مقاومت" که توسط سپاه تشکیل شده بود عملاً منحل گردید.

درد ادگاه لاهه چه می کنند

بند و بستها و حیف و میل هائیکه هیئت نمایندگی ایران در دادگاه لاهه درپوشش بیانیه الجزایر صورت می دهد چنان رسوائیهائی به بار آورده که حتی در مجلس شورای اسلامی نیز بازتاب یافته است. دادگاه لاهه محملی شده تا کمپانی های غارتگر و

انحصارات نفتی علیه اوپک

این روزها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستی، از "اضمحلال" تدریجی سازمان کشورهای صادر کننده نفت "اوپک" سخن زیادی می‌رود. مفسران بورژوازی شادمانی خود را از اینکه این سازمان بر اثر وخامت و رکود حاکم، بر بازار جهانی نفت، دچار دشواریهایی شده، پنهان نمی‌کنند. اینها و آنجا حتی سخن از "انقراض سرشت" بابت مبارزه‌ای می‌رود که کشورهای صادر کننده نفت با تشکیل اوپک علیه زورگویی و چهارلگری انحصارات نفتی آغاز کرده بودند.

در یکی دو سال اخیر، همبستگی میان کشورهای عضو اوپک بارها به خطر افتاده است. مثلاً در پاپیون گذشته، نیمی بهای نفت خود را از بشکه‌ای ۳۰ دلار به بشکه‌ای ۲۸ دلار تقلیل داد. وزیر نفت این کشور اعلام کرد نجات اقتصاد نیمی بهیتر از وفاداری آن به اوپک است. فشاری که کشور فقیر نیمی بهیتر را وادار به چنین اقدامی نمود، بر سایر کشورهای عضو نیز وارد می‌شود. اوایل بهمن ماه در نشست وزرای نفت اوپک در ژنو تصمیم گرفته شد بهای نفت مرغوب (سبک) از ۳۰/۵ دلار به ۲۸/۹۰ دلار کاهش یابد و قیمت نفت سنگین همچنان در حد ۲۶/۵ دلار برای هر بشکه باقی بماند. نیمی بهیتر بهای نفت سبک خود را به ۲۸/۶۵ دلار افزایش دهد. این، دومین کاهش قیمت در تاریخ ۲۵ ساله اوپک است. در فوریه ۱۹۸۲، بهای نفت اوپک ۵ دلار کاهش یافت.

بی‌شک بحران اوپک محصول بحران بازار نفت است. اینک مصرف نفت کشورهای صنعتی ۱۸ درصد کمتر از میزان سال ۱۹۷۹ است. برای این

پدیده می‌توان چندین دلیل برشمرد. نخست باید از افزایش بکارگیری منابع جدید انرژی و با احتیاج منابع قدیمی نام برد. از جمله تقویت صنایع انرژی هسته‌ای و توجه بیشتر به زغال سنگ (البته اخیراً نخستین نشانه‌های اضافه تولید زغال سنگ دیده می‌شود). همچنین افزایش ناگهانی قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، باعث موجی از ابتکار و سرمایه‌گذاری برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی شد. از تولید اتومبیلها و ماشینهای صنعتی کم مصرف‌تر تا پالایش بازم بیشتر مواد سوختی و سرمایه‌گذاری دولتی در ایزوله کردن حرارتی ساختمانهای قدیمی. و بالاخره باید در نظر داشت که از ۱۹۷۹ به بعد، مرحله نژولی بحران ادواری سرمایه‌داری آغاز شد و به کاهش مصرف انرژی انجامید.

کشورهای اوپک نسبت به این روند واکنش نشان دادند و تولید روزانه خود را که در سال ۱۹۷۷ به ۳۱ میلیون بشکه بالغ می‌شد، در ۱۹۸۲ به ۲۱ میلیون و اکتبر سال قبل (۱۹۸۴) به ۱۶ میلیون بشکه کاهش دادند. یعنی تنها نیمی از ظرفیت دولت. جالب توجه است که این تصمیم برای مثبت هر ۱۳ عضو اوپک گرفته شد، اتفاق نظری که به ندرت پیش می‌آید.

اما صرف نظر از آثار منفی رکود بازار نفت در اوپک، این سازمان در معرض زورگویی امپریالیستهای قرار دارد. انحصارات نفتی و کشورهای امپریالیستی از آغاز تشکیل اوپک نهایت تلاش خود را بکار بستند تا این سازمان نتواند به اهداف خود یعنی در درجه اول، دفاع از منافع مشترک کشورهای عضو، جامه عمل بپوشاند. اینک امپریالیستها اوضاع بازار نفت را مناسب دیده اند تا فشار بازم بیشتری بر اوپک وارد آورند. بریتانیا و

نروژ استخراج نفت خود را از دریای شمال داشا افزایش می‌دهند. از سوئی دیگر، مکزیک نیز که بنوبه خود تحت فشار شدید سازمانهای مالی بین‌المللی امپریالیستهاست و زیر بار قروض میلیاردهای کمر خم کرده، نفت بیشتری وارد بازار می‌کند و پس از اتحاد شوروی، آمریکا و عربستان سعودی مقام چهارم را در میزان استخراج نفت به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، ریشه این اقدام مکزیک را نیز باید در کارزار جهانی امپریالیستها علیه دیگر کشورهای صادر کننده نفت جست.

این همه باعث شده است که سهم اوپک در استخراج نفت جهان از ۵۱ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۳۲ درصد در سال ۱۹۸۴ برسد. سال ۱۹۸۴ یک پدیده منفی دیگر نیز برای اوپک به همراه داشت. برای نخستین بار پس از ۵ سال، مصرف نفت ۲/۳ درصد افزایش یافت. کشورهای عضو اوپک به جای آنکه از این پدیده به سود تحکیم موقعیت اوپک در بازار جهانی نفت بهره‌جویند، به رقابت برخاستند تا خلا ایجاد شده در بازار را پر کنند. (جمهوری اسلامی نیز در این مسابقه شرکت جست و نفت خود را به بهایی کمتر از نرخ اوپک عرضه کرد.)

علیرغم همه این روندهای منفی، توافقهای اخیر اوپک (محدود کردن تولید به میزان ۱۶ میلیون بشکه در روز و تعیین نرخ نفت با اکثریت آرا) نشان داد که این سازمان به هیچ عنوان محکوم به تلاشی نیست، بلکه می‌توان و باید با تقویت و تحکیم همبستگی میان اعضا، آن را همچنان به مثابه ابزاری موثر در مبارزه علیه زورگویی انحصارات نفتی به کاربرد.

(اقتباس از مطبوعات خارجی)

مجموعه گزارشهایی

بقیه از صفحه ۸

دیوار باشد. کوچکترین اعتراض را در اتفاقی تعزیر. پاف می‌دهند. از ملاقات با خانواده مطلقاً خبری نیست، حتی به خانواده نمی‌گویند که فردا در کجا زندانی کرده اند. زندانیان کمیته مشترک هرگز رنگ آفتاب را نمی‌بینند. از حق مواخوری که در زندانهای دیگر وجود دارد، در بند ۲۸۰ خبری نیست. زندانی تنها در فاصله بین اتاق تا قسمت حمام می‌تواند هوای "تازه" ای را تنفس کند. کیفیت و کمیت غذا در این زندان، فوق العاده پائین است. کوچکترین "تخللی" نیز باعث می‌شود زندانی چندین وعده از خوردن غذا محروم شود. وضع بهداشت زندان هم با این اوصاف معلوم است که به چه سان است. هوا آلوده است، پتوها کثیف و خون آلودند، موکتها بسیار کهنه و آلوده اند، در زمستان سرما تا مغز استخوان رسوخ می‌کند، افراد بر اثر شکنجه مفرط و سوء تغذیه طولانی فاقد مقاومت در برابر بیماریهای مختلف هستند. بیماریهای گوناگون بویژه در بند زنان پدید می‌آید.

در کمیته مشترک زندانی همیشه با شلاق و شکنجه سروکار دارد. نگهداران زندان از میان بی‌شعورترین و لومین‌ترین پاسداران انتخاب شده اند. آنها همواره در صد آزار زندانیان هستند. مدام توهمین می‌کنند. جلوی استراحت حتی بیمارانی را که حالشان وخیم است می‌گیرند، پیوسته وقت دستشویی را تقلیل می‌دهند، در هوای سرد زمستان، بیکاره کولرها

پیام کمیته مرکزی حزب

بقیه از صفحه آخر

استبداد در پوشش مذهب برای حفظ و حراست رژیم استکباری بند و بار توده‌های زحمتکش بوده است. این و استکباری دشتناک بسوی تاریکی و ظلمات استبداد قرون وسطایی برای سازمان‌های ما، برای میهن انقلابی ما، برای زحمتکشان رزمنده آن و برای دیگر نیروهای مترقی و دمکرات وطن ما چیزی بیشتر از رویای خام و آشفته مشتکی بی‌خبر از سیر واقعی تاریخ و خائنانه به منافع ملی و مردمی ما نبوده و نیست که محکوم به فنا و نابودی میباشد.

مقاومت و رزم دلیرانه شما که دوشادوش حزب توده ایران در شرایط دشوار برای هر دو سازمان ما علیه امپریالیسم و ارتجاع انجام شده و می‌شود به نتایج قانونمند خود در راستای افشا، مایهت ضد ملی و ضد دمکراتیک رژیم حاکم بر کشور، بسیج توده‌های زحمتکش به نبرد آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و بالاخره ایجاد اهرم حیاتی و تعیین کننده جبهه متحد خلق از همه نیروهای ضد امپریالیست، مترقی و دمکرات که تنها راه برون رفت از بحران‌های همه جانبه و نجات انقلاب است، نزدیک میشود.

ما بار دیگر سالروز تولد سازمان برادر را تریبیک می‌گوییم و در این بیکار قلعی و نهایی بخاطر نجات انقلاب برای شما دوستان مرز و وفادار به آرمانهای والا، خلقهای میهن دربندمان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

همه این آزارها و شکنجه‌ها، بیش از هر چیز بر ضعف و جبن رژیم خیانت پیشه جمهوری اسلامی دلالت دارند. مدتی که من در کمیته اسیر بودم آنچه که بیشتر از همه توجهم را جلب می‌کرد پیچی و زبونی دژخیمان در برابر مقاومت انقلابیون بوده آنها هر روز بر میزان آزارها و شکنجه‌های خود می‌افزودند تا شاید چند صباحی دیگر بر حیات بساط تنگیشان بیفزایند اما هر گام که پیش می‌رفتند خود را شکست خورده تر می‌یافتند. یک شکنجه‌گر با تعجب می‌پرسید: "شماها مگر چقدرید؟ هر چه می‌گیریم باز می‌فهمیم کم است!" پاسدا دیگری می‌گفت: "ما باید عظوفت اسلامی را کنار بگذاریم و برای ریشه کن کردن شما خشونت به خرج دهیم!" یکی دیگر از این جنایتکاران می‌گفت: "ما نمی‌گذاریم قضیه شاه تکرار شود. او در برابر شماها جازد ولی ما همه‌تان را جارو می‌کنیم" این دژخیم نسبت به آینده خود نگران بود، می‌ترسید مبادا به سرشت ساواکی‌ها دچار شود. احق نمی‌دانست آینده روبرو پیش دارد و تاریخ نام آنان را نیز در کنار حسینی‌ها و تهرانی‌ها ثبت خواهد کرد. *

رویدادهای جهان



کنتره حزب کمونیست فرانسه بیکارچگ، صفوف حزب را به نمایش گذاارد

بیست و پنجمین کنتره حزب کمونیست فرانسه روز یکشنبه دهم فوریه پس از مباحثات پنج روزه که در سن اوئن شهر کارگری واقع در حومه پاریس انجام گرفت، پایان یافت. بیش از ۱۷۰ نماینده کنتره، کمیته مرکزی حزب را انتخاب کردند که در نخستین نشست خود، اعضای دفتر سیاسی و هیئت دبیران را برگزید. ژرژ مارش باردیکر به مقام دبیر کلی حزب انتخاب شد. وی در حالیکه حضار با کف زدنهای شدید ابراز احساسات می کردند، سخنرانی پایانی کنتره را ایراد نمود. دبیر کل حزب کمونیست فرانسه تاکید کرد حزب مصمم است "فعالیت شدیدی انجام دهد تا همبستگی زحمتکشان و مردم فرانسه با آن نیروهای در جهان تقویت شود که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند و در بیکار گسترده برای رهایی بشریت، در راه عدالت و پیشرفت، استقلال، صلح و خلع سلاح و بیخاطر سوسیالیسم شرکت می جویند." مارش افزود مهمترین نتیجه کنتره بیست و پنجم در آن است که در جریان آن، مشی سیاسی روشنی به تصویب رسید. دبیر کل حزب کمونیست فرانسه گفت عالیتترین هدف حزب، ساختمان سوسیالیسم به سبک فرانسوی است و در مرحله کنونی، وظیفه ایجاد اتحاد نوین اکثريت خلق در دستور کار قرار دارد.

ژرژ مارش لزوم رعایت اصول سانترالیسم دمکراتیک را مورد تاکید قرار داد و در پایان خاطرنشان ساخت حزب کمونیست فرانسه پس از کنتره خود با اطمینان به مبارزه در راه عدالت و ایجاد یک فرانسه نوین ادامه خواهد داد. نمایندگان کنتره فراخوانی به تصویب رساندند که در آن از مردم فرانسه دعوت به عمل آمده همراه با کمونیستها علیه بحران و برای همکاری ملل و حفظ صلح مبارزه کنند. در این سند آمده است باید با همه ملل که زمین علیه خطر جنگ هسته ای و نظامی کردن فضا متحد شد.

کنتره علاوه بر گزارش کمیته مرکزی (که بدون رای مخالف و تنها با ۵۸ رای متنع به تصویب رسید) قطعنامه ای نیز مورد تایید قرار داد. پل لورن، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی که گزارش کمیسیون تدوین قطعنامه را تقدیم کنتره کرد، پشتیبانی کامل حزب را از مللی که سوسیالیسم را بنا می کنند، اعلام داشت. وی گفت حزب کمونیست فرانسه امید و نیروی مبارزه خود را از این واقعیت می گیرد که تاریخ نه به پس، که به پیش، به سوی سوسیالیسم می رود.

در قطعنامه کنتره، سیاست بحران زای سرمایه داری که با بیکاری جمعی و کاهش قدرت خرید زحمتکشان همراه است، و نیز مشی امپریالیستی دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی که به ویژه از سوی آمریکا دنبال می شود، محکوم شده است. قطعنامه، بدون رای

مخالف و با ۶۵ رای متنع تصویب شد.

کمیته مرکزی ۲۲ نفر را به عنوان اعضای دفتر سیاسی برگزید. پیر ژوکن، عضو کمیته مرکزی که پیش از برگزاری کنتره در دفتر سیاسی عضویت داشت و رسانه های گروهی امپریالیستی از او به عنوان "طرفدار اصلاح حزب" نام می بردند، در دفتر سیاسی جدید عضویت ندارد. کمیته مرکزی همچنین یک هیئت دبیران با هشت عضو را انتخاب کرد.

محکومیت چهار زن جوان مبارز در بیدادگاه رژیم نظامی ترکیه

محاکمه مبارزان ترکیه که برای سرکشی رژیم نظامی دست نشانده آمریکایی رزمند، و صدور احکام جابرانه در مورد آنان توسط بیدادگاههای رژیم ادامه دارد. عکس زیر چهار زن مبارز را نشان می دهد که اخیراً ۲ نفر از آنان به حبس ابد و یک نفر دیگر از میانشان به ۲۰ سال زندان محکوم شدند. سن متوسط آنان ۲۰ سال است. لازم به یادآوری است که هزاران زندانی سیاسی در زندانهای رژیم وابسته اورن تحت سخت ترین شرایط برده و شکنجه های شدیدی را متحمل می شوند. به ویژه اسرای زن در معرض غیر انسانی ترین شیوه های آزار، شکنجه و توهین قرار دارند.



به این زنان جوان تنه کنید! سن متوسطشان ۲۰ سال است. ۲ نفر از آنها به حبس ابد و یک نفر دیگر به ۲۰ سال زندان محکوم شدند. چه چیزی باعث این محکومیت ضد انسانی شده است؟ اراده این دختران به اینکه به نظام دیکتاتوری سر فرو نیاورند. ما امروز همبستگی کامل خود را به نیلوفر، نازه (NAZH)، آیز (AYSE)، امیت (UMIT) و آسکین (ASKIN) این زنان مبارز اعلام می کنیم. ما به همه مبارزین دیگر به همه زندانیان و همه تحت ستمان رژیم دیکتاتوری و فقر در ترکیه اعلام می کنیم که در کنار شما هستیم. چهارشنبه هر هفته، عده ای از مردم دمکرات و آزادیخواه فرانسه در مقابل سفارت ترکیه در پاریس اجتماع می کنند تا ضمن اعلام اعتراض خود به وضعیت شرم آور زندانیان سیاسی بخصوص زنان زندانی در ترکیه، همبستگی خود را با مبارزه همه مردم ترکیه نشان دهند.

(عکس و متن از "اومانیتیه دیماش" ارکان هفتگی حزب کمونیست فرانسه)

اهداف عملیات

انتقال یهودیان اتیوپی به اسرائیل

تحت عنوان، "عملیات موسی" به مدت چندین

هفته عملیاتی برای انتقال پنهانی شهروندان یهودی اتیوپی به اسرائیل انجام گرفت. هفته نامه شوروی عصر جدید می نویسد: برخی از این "یهودیهای رنگین پوست (که در اتیوپی به "فلاش" ها معروفند) گمان می کردند در سودان اردوگاههایی برای مردم مناطق آسیب دیده از خشکسالی وجود دارد و از این روراضی به ترک کشور خود به مقصد سودان شدند. اما سودان تنها یک گذرگاه بود. شب هنگام، فلاشها را به خارطوم برده و از آنجا با هواپیماهای بلژیکی و از طریق بروکسل به اسرائیل بردند.

خود اسرائیل بعداً پرده از روی "عملیات موسی" برداشت و معلوم شد که آمریکاییان در این میان نقش فعالی داشته است. به گفته یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا، این کشور "بدون سروصدای اضافی" با برخی سازمانها و دولتها همکاری کرده و به عملیات مذکور کمک مالی زیادی داده است. دولت اتیوپی در این باره خاطرنشان ساخت که این امر، توطئه ای است که در جریان آن، تاجران برده قرن بیستم توانسته اند با نقض حقوق بین الملل، مخفیانه شهروندان یک کشور را از آن کشور خارج سازند.

برخلاف آنچه صهیونیستها ادعا می کنند، انگیزه این عمل به هیچ وجه "انساندوستی" نبوده است. اداره اسرائیلی مسئول ساختن آبادیهای یهودی نشین در کرانه غربی اشغالی رود اردن و سایر مناطق اشغالی اعراب، به یهودیان اتیوپی علاقه خاصی نشان می دهد. در خود اسرائیل جایی برای این عده نیست، چرا که در آنجا نه کار، نه مسکن و نه تضمین گرسنه نماندن می یابند. بیهوده نیست که یکی از افرادی که از اتیوپی به اسرائیل انتقال یافته در بدو ورود خودکشی کرد.

تهدید تروریستهای افغانی علیه روزنامه سوئدی

معمولاً فرستادگان ضد انقلاب افغانی در جریان سفرهای تبلیغاتی شان، به کشورهای اروپای غربی ترجیح می دهند درباره "شیوه های مبارزه" ای که "مجاهدین" در پایگاههای واقع در پاکستان می آموزند سکوت کنند، چرا که چنین اطلاعاتی تنها می تواند به "اعتبار" اشرار ملطه وارد آورد.

ظاهراً به همین دلیل ضد انقلابیون افغانی از روزنامه "نورسکنس فلامان" ارکان حزب کمونیست کارگری سوئد که حقیقت را درباره آنها نوشته بود، شدیداً به خشم آمده اند و تصمیم گرفته اند روزنامه نگاران سوئدی را "سرچای خود بنشانند". شیوه انجام این کار، مطابق روش معمول اشرار انتخاب شد. هیات تحریریه روزنامه، نامه ای دریافت داشت که در آن از روزنامه خواسته شده بود اعلامیه ای به سود "مجاهدین" افغانی به چاپ برساند.

نویسنده نامه در اوج خشم خود احتمالاً فراموش کرده بود که نه در پاکستان، بلکه در سوئد به سر می برد. او تهدید کرد: "اگر اعلامیه منتشر نشود، محل روزنامه منفجر شده (یا به آتش کشیده می شود) و سر دبیر اعدام خواهد شد البته ظاهراً "تصادفی". تروریستهای افغانی، برای روزنامه سوئدی مهلت هم گذاشته بودند. وقتی این مهلت به سر رسید، "نورسکنس فلامان" کلیشه نامه را با توضیح لازم چاپ کرد. خود نامه برای پیکیری به پلیس داده شد.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت ۱۹ بهمن

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهاردهمین سال تأسیس سازمان رزمنده شما را صمیمانه تبریک میگوید و برای شما و همه اعضا و هواداران مبارکترین در نبرد هر افتخارتان آرزوی موفقیت های بازم بیشتر می کند.

رفقا!

بکسال دیگر بر سال های کار و مبارزه سازمان هر افتخارتان که در دوره مبارزات پیچیده و دشوار بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آبدیده تر شده است، افزوده شد. سالی که عیار والای انقلابی سازمان شما در مبارزه هر شور و عداوت اش بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بیش از پیش نمایان ساخت.

تندباد حوادث شومی که به اراده امپریالیسم و ارتجاع بر پیکر انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتور و مردمی میهن ما زخم ها و جراحات عمیقی نشانده نتوانست بر اراده استوار سازمان رزمنده شما لطمه ای وارد سازد.

هدف پرورش سبانه امپریالیسم و ارتجاع و امانده و قرون وسطایی هر حزب توده ایران - حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، سازمان برادر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ماند همیشه نابودی سنگر اصلی و خاکریز اول دفاع از انقلاب، دفاع از استقلال و آزادی میهن و دفاع از حقوق اجتماعی زحمتکشان میهن ما و برقراری بقیه در صفحه ۱۰.

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را

رفیق مرتضی به مناسبت ۱۹ بهمن

تأمین کرد

کمک های مالی رسیده

رفیق بهزاد نیویورک ۳۵۰ دلار
رفقای واشنگتن دی.سی. ۳۵۰ دلار
ریچا از آمریکا یک الکویلا ۳۵۰ دلار
رفیق روزبه هوستون آمریکا ۱۰ دلار

AKSARIYAT

NO. 45

MONDAY FEB 18, 85

Address: آدرس:

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY



دیدار اخیر رفیق فرخ شکندار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان با رفیق ببرک کارمل رئیس شورای انقلاب و دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، جای ویژه ای را در رسانه های افغانستان انقلابی به خود اختصاص داد. عکس بالا که متعلق به همین دیدار است، در نشریه انگلیسی زبان "کابل نیوتایمز" در کنار شرح خبر دیدار چاپ گردیده است.

به یاد رهبران شهید خلق ترکمن

روز دوم اسفندماه سال ۵۸ بود که خبر یکی از ددمشانه ترین جنایات ابادی ارتجاع در رژیم جمهوری اسلامی منتشر گردید. در این روز اعلام شد که چهارفدائی اسیر توماج، جرجانی، واحدی و مختم را در زندان به شهادت رسانده اند.

خطابه پانزدهم

بر جاده گام می نهند

وسواران چهارگانه

برخون خویش غم می شوند
با رود جهانی روند کاشان بر لب

درخت اندازان را وحشت همه اینست

که بهار

دست افشان و جامه دران

در آتیه جوانه و جنگل

به رقصی جادویی برخیزد.

و آفتاب

در آینه بندان خلیق برهنه شود

پس، سنگ می اندازند

به روشنای چهره آینه ها و آب

و فریبی دلکش را

حجاب چهره خود می کنند.

به چهار ستاره ترکمن صحرا

در تاریکهای پل
مرگ

با لحن بی طرب

با چهار جنازه در سخن است.

در انحنای جاده

چهار رنگ دانهایی بریده شدند

و چهار ققنوس گر گرفته

با آوازی حزین

خاکستر هجرت را پذیره شدند.

میولاها

در میدان شهیدان

سرنامی زنند

تا وحشت خویش را

در شکنجه های ماننا

بر بالین چهار شقایق سوزان

رقصیده باشند

و حیات و رستگاری خویش را

در مرگ سریداران می جویند

و مشعل

در نیمه گاه و خرمن کند مکاران می چرخانند

جاده های برهنه در باران

وزمان

که با نمره های کزین

بر خاک و سکوت می افتد.

در چایچ سواره و شب

میولاها

مائی، سال ۵۸

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!